



کجاست نقطه پایان

کشتار و ترور و اختناق؟

بمناسبت سالروز قیام و سیاهکل

راهی جز قیام و انقلاب باقی نمانده است

← ۳

درس های انقلاب

میتوان در بحران اقتصادی ژرف کنونی، در بحران سیاسی که به شکافی عمیق در میان هیئت حاکمه و دستگاه دولتی انجامیده است، در رشد روز افزون نا رضایتی و اعتراض توده ای، گسترش اعتصابات، راهپیمائی های اعتراضی و تظاهرات کارگران، رشد و گسترش اعتراضات و مبارزات علنی روشنفکران، از جمله نویسندگان و دانشجویان، مشاهده کرد. تمام واقعات حاکی است که با صفحه ۴

در حالی که ضد انقلاب اسلامی بیستمین سالگرد پیروزی اش را برانقلاب توده ای ۱۳۵۷ جشن گرفته و سران حکومت ارتجاع اسلامی می کوشند خود را به ادامه حیات رژیم جمهوری اسلامی امیدوار سازند، طلیعه های یک بحران ژرف، همانند بحرانی که در اواسط دهه پنجاه پدید آمد و به انقلاب و سرنگونی رژیم شاه انجامید، از هم اکنون ظاهر شده است. تضادهای جامعه به درجه انفجار آمیزی تشدید شده اند. انعکاس انفجار این تضادها را بوضوح

کارگران خواستار افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم اند!

فزاینده نرخ تورم شرایط زندگی مادی کارگران را به غایت دشوار و وخامت بار ساخته است و سطح معیشت آنها را بنحو فاجعه باری کاهش داده است، در حالیکه کارگران و زحمتکشان و اعضا خانواده آنها فقر و گرسنگی فزون از حدی را متحمل شده اند، اما سرمایه داران و دولت اسلامی آنها دست از سر کارگران بر نمیدارند و راه برون رفت از تنگناهای مالی و اقتصادی موجود را در انداختن تمام بار صفحه ۷

حدت بحران اقتصادی و ورشکستگی مالی، حکومت اسلامی را به بن بست بی علاج و آستانه از هم گسیختگی کشانده است. تمامی شگردها و سیاستهای جمهوری اسلامی برای برون رفت از این بحران و ورشکستگی، بی نتیجه مانده است. قیمت کالاها و مایحتاج عمومی هم چنان در حال افزایش است. سیاستهای کنونی رژیم نیز مثل گذشته، تماما بر پایه تشدید فشار بر کارگران استوار است. در حالیکه افزایش مدام و روز افزون قیمت ها و رشد

اعتراف وزارت اطلاعات رژیم به دست داشتن در آدم ربائی ها و قتلهای فجیع اخیر، البته تحت فشار مردمی که صدای اعتراضشان را بلند کرده بودند و نیز تحت فشار جناح رئیس جمهور که اونیز به نوعی از پائین تحت فشار بوده است، تقویت جناح خاتمی را در پی داشت. اما تقویت موقتی جناح خاتمی، یگانه نتیجه این اعتراف نبود. نتیجه این اعتراف وارد آمدن لطمه شدید به دستگاه امنیتی، تضعیف آن و تضعیف روحیه نیروها و مامورین امنیتی رژیم هم بود. موضوعی که در ارتباط و تکمیل سایر عوامل، بر بی ثباتی نظام حاکم دامن میزد. نه جناح خاتمی و بطریق اولی نه جناح خامنه ای هیچ کدام خواهان تضعیف دستگاه امنیتی و سرخوردگی نیروهای آن نبوده و نیستند. گرچه خاتمی حتما می خواهد از نفوذ جناح مقابل در این دستگاه بکاهد و مواضع جناح خود را در آن تقویت کند، اما تحت هیچ عنوانی خواهان تضعیف دستگاه امنیتی و وزارت اطلاعات نیست.

وقتی که وزارت اطلاعات اقدامات مامورین خود را جنایتکارانه خواند و بدین نحو آشکارا، گججی، یاس و سرخوردگی شدیدی را در میان نیروهای خویش دامن زد، حواس آقایی خاتمی این مهره خوش خط و خال جمهوری اسلامی، آنقدر ها جمع بود که فوراً به داد این دستگاه برسد و با ارسال پیام "دلگرم" کننده خود، در صدد دلداری از "سربازان گمنام امام زمان" برآید. خاتمی در پیام خود، ضمن تجلیل از این "فرزندان گرانقدر اسلام" و "حافظان بی توقع انقلاب" ! به آنان هشدار داد که مبادا در خود "احساس فتور" کنند. او گفت که "بد خواهان"، خواهان یک "وزارت اطلاعات ضعیف هستند، حال آنکه "اطلاعات زنده و بیدار است"! یک روز بعد، خامنه ای هم در نماز جمعه تهران، هوشیاری و تلاش خاتمی را در جلو گیری از تضعیف دستگاه اطلاعاتی و دلگرم کردن سربازان گمنام امام زمان، ستود. خامنه ای که قبلاً با اصرار زیادی گفته بود این قتلها کار اجنبی است و از خارج هدایت و برنامه ریزی شده است، اکنون که وزارت اطلاعات، خود به این قتلها اعتراف کرده بود، بکلی در این مورد خاموشی گزید و از کنار این قضیه رد شد! انگارانه انگار که ایشان قبلاً فرمایشاتی کرده بودند! عقل خامنه ای صفحه ۲

در این شماره

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۶)

اعتراض به دیدار کمال خرازی از فرانسه

تحصن و تظاهرات گسترده ضد رژیم در سوئد

یادداشت های سیاسی

اخباری از ایران

اخبار کارگری جهان

اطلاعیه ها و پیام ها

گزیده ای از نامه های رسیده

صفحه ۵

صفحه ۱۰

صفحه ۱۰

صفحه ۱۶

صفحه ۹

صفحه ۱۱

۴ و ۸ و ۱۰ و ۱۵

صفحه ۸

تسلیمه نسرین سخن می گوید

← ۱۳

کجاست نقطه پایان کشتار و ترور و اختناق ؟

ترورها، مصروف پنهان نگاهداشتن حقایق از چشم مردم شد. " اطمینان " دادن آقایی خاتمی هم طبع معمول حرفی توخالی بیش نبود و این ها همه در حالی است که جوخه های مرگ رژیم، بعد از قتل فروهرها، مختاری و پوینده نیز همچنان فعال بوده اند و بسیاری از نویسندگان، روزنامه نگاران و فعالین سیاسی رانیز علنا به مرگ تهدید کرده اند! این موضوع بار دیگر این حقیقت را که مکرر در مکرر ثابت شده بود به اثبات رساند که از دید تمام جناح ها برغم همه اختلافاتشان، حفظ نظام در رأس و در اولویت است. منازعات حکومتی تشدید یا تضعیف شود، توازن قوا به نفع این یا آن جناح بهم بخورد، فرقی در اساس قضیه نمیکند. همه آنان توجیه گران قتل ها و جنایات حکومت اسلامی اند و مستقیم و غیر مستقیم در آن مشارکت دارند و اگر هم اعتراض یا اختلافی دارند، اعتراض و اختلافشان نه از زاویه منافع این یا آن قشر مردم، که صرفا از موضع منافع خاص خویش بدین کار دست می زنند. نمونه اعتراض مجمع روحانیون یک نمونه، اما نمونه بسیار گویائی است. وقتیکه به کوشش جناح خامنه ای، آقایی بیات عضو شورایی مرکزی مجمع روحانیون دستگیر و توسط دادگاه ویژه روحانیت به محاکمه کشیده شد و بعد هم صدا و سیما خبر آن را پخش کرد، مجمع روحانیون در نامه ای اعتراضی به یزدی رئیس قوه قضائیه، از این که موضوع محاکمه یک روحانی از دادگاه ویژه روحانیت به بیرون درز کرده است و حرمت روحانیت حفظ نشده است به ابراز نارضایتی پرداخت. اعتراض و شکایت مجمع روحانیون به این بود که چرا "حرمت و حیثیت سلسله جلیله روحانیت اسلام" حفظ نشده است!!

بنابراین مسئله کاملا روشن است که جدال جناح ها پیرامون ترورهای اخیر، کشمکش است بر سر منافع و بر سر قدرت، نه برای کشف و بیان حقایق. کارد دسته خودش را نمی برد آنها هیچگاه حقایق مربوط به ترورها و آدم کشی ها را به مردم نخواهند گفت. خاتمی یا خامنه ای، نه به مردم که به حفظ نظام، آرام سازی و انحراف مبارزه مردم فکر میکنند. البته کسی از مردم پیدا نمیشود که حقایق مربوط به این جنایات را نداند. مردم رژیم جنایتکار و ضد بشری جمهوری اسلامی را شناخته اند. مردم نه امروز، که در همان لحظه اول وقوع این قتل ها قضاوت خود را کردند. مردم دو دهه است که دارند حکومت اسلامی را تجربه میکنند و میدانند که تا این رژیم ارتجاعی بر سرکار هست، ترور و سرکوب انقلابیون، نویسندگان، روزنامه نگاران، آزادیخواهان و فعالین سیاسی هم هست، تا این نظام استبدادی بر سر کار است، کشتار و اختناق هم هست. در همان حال که دعوا و کشمکش جناح ها هم هست، دروغ و شانتاژ و مخفی ساختن حقایق از چشم مردم هم هست!

این مردم اما با تشدید و گسترش مبارزه خود علیه رژیم، رژیمی که به نقطه پایان خود نزدیک میشود و برچیدن نظام حاکم است که بر صفحه کشتار و ترور و اختناق، نقطه پایان خواهند گذاشت.

زیر نویس:

۱_ دوشنبه ۱۲ دیماه، برنامه ای بنام "چراغ" از شبکه اول تلویزیون پخش شد.

که او نیز شخصا و بدون مشورت و اطلاع شخص وزیر دست به چنین اعمالی زده است!

این حمله اگرچه اعتراض شدید طرفداران خاتمی را برانگیخت اما در عقب راندن جناح اخیر، موثر افتاد و در هر حال بر کشمکش میان جناح ها دامن زد. در همان حال که جنتی عضو فقهایی شورایی نگهبان به همراه چند تن دیگر راهی قم بود تا نظر "علما" را در عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور جلب کند و در حالی که اطلاعیه ها و شبنامه هایی دائر بر عدم کفایت رئیس جمهور و ضرورت برکناری وی برادر دیوار خیابان های تهران چسبانده می شد، بسیاری از طرفداران خاتمی با تجمع در دانشگاه تهران، خواستار عزل وزیر اطلاعات و استعفا لاریجانی رئیس صدا و سیما شدند. این تجمع، گرچه با پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی هوایی خاتمه یافت، اما بمعنی ختم اعتراضات جنا خاتمی نبود. حزب همبستگی ایران اسلامی، مجمع روحانیون مبارز، مجمع حزب الله مجلس و سایر تشکلهای و ارگانهای طرفدار خاتمی، پخش این برنامه را "هتک حرمت" رئیس جمهور خوانده و آنرا محکوم کردند و حتی در نامه ای به خامنه ای خواستار اصلاح صدا و سیما شدند!

بدین ترتیب هنوز عملکرد و نتیجه کار کمیته تحقیق آقایی خاتمی معلوم نشده بود که رئیس جمهور را نیاز به ایجاد کمیته دیگری افتادو این بار کمیته ویژه متشکل از چند تن از اعضا هیئت دولت، مسئول بررسی نحوه تهیه این برنامه تلویزیونی شد. در پاسخ به حرکت جدید رئیس جمهور، اما ۱۲۲ تن از نمایندگان مجلس از برنامه "چراغ" دفاع کرده و تعیین کمیته ویژه را، تلاشی در راستای فرمانبرداری صدا و سیما از قوه مجریه دانستند.

در جستجوی این کشمکشهاست که کارشناس و رئیس تشخیص مصلحت نظام، هاشمی رفسنجانی به میانجیگری میپردازد و از جناحهای درگیر میخواهد تا فقیله این بحث ها را پائین بکشند. رفسنجانی وقتی که دید مسئولین نظام مسئولیت قتلها را به گردن یکدیگر می اندازند، خطاب به آنان گفت که بیش از این بجان هم نیفتند چرا که "در این متهم سازیها همه ضرر خواهند دید!" بدنبال این قضایا بود که کمیته تحقیق رئیس جمهور در دومین اطلاعیه خود، از "محلفی" و غیر سازماندهی بودن قتل ها صحبت کرد. نتیجه "تحقیقات عمیق" کمیته رئیس جمهور، در واقع امر، هم خارج کردن دستگاه امنیتی و اطلاعاتی و مهره های اصلی آن از زیر ضرب بود و هم سازش و عقب نشینی جناح خاتمی. سه روز بعد از آن نیز کمیته ویژه ایشان برای بررسی برنامه تلویزیونی "چراغ"، لاریجانی، رئیس صدا و سیما را از هرگونه مسئولیتی مبرا ساخت!

جنجال بر سر قتل ها و جنایات اخیر کاهش یافت، بی آنکه بالاخره به مردم گفته شود چه کسانی، چرا، چگونه و به فرمان چه کسی این جنایات را سازمان داده اند. در عوض تمام هم جناح های حکومتی، بعد از چند ماه جنجال و بحث بر سر

تنها به این رسید که این بار "شجاعت" وزارت اطلاعات را در اعتراف به قتل ها "تحسین" کند! نه فقط "شجاعت" وزارتخانه ای را که زیر نظر خود اوست تحسین نمود، بلکه از شخص وزیر اطلاعات که اکنون جناح خاتمی در صد خلع وی برآمده بود نیز دفاع کرد. بهر رو وزارت اطلاعات که "چشم نظام" بود، بایستی محافظت می شد و مسئولین نظام از رهبر گرفته تا رئیس جمهور، از هیچ کوششی در این زمینه دریغ نداشتند. با این همه، نتیجه اعترافات وزارت اطلاعات آشکارا به زیان جناح خامنه ای بود، اما خاتمی "نتیجه" ماجرای قتل ها را "شیرین" توصیف کرد و بلافاصله با تعیین هیئتی برای تحقیق، توانست جناح مقابل را موقتا تحت فشار قرار دهد. درست است که جناح خامنه ای عجلتا حاضر شده بود امتیازی بدهد و یکی دو مهره دست چندان وزارت اطلاعات را قربانی کند تا جو متشنج و اعتراضی موجود را فرونشاند، اما بدین منظور، حاضر نبود هزینه زیادی بپردازد بنحوی که عناصر و مهره های اصلی وزارتتش زیر ضرب بروند. خاتمی اما تحت شرایط حاصله، از یک سو میخواست از طرف مقابل امتیاز بگیرد، از سوی دیگر اما میخواست جو جامعه و افکار عمومی را که به شدت متشنج شده بود و کنجکاوانه قضیه را پی گیری میکرد، آرام سازد. اولین اطلاعیه کمیته تحقیق آقایی رئیس جمهور به همین منظور انتشار یافت. این اطلاعیه که خبر از "بازداشت و بازجویی چند تن از عناصر موثر در سطح اول عملیاتی" و نیز از اطلاعات فراوانی که در مورد آنها بدست آمده است، خبر میداد، در عین حال به تمامی مردم چنین "اطمینان" میداد که روند تحقیق را بدون هیچگونه اغمازی ادامه دهد.

هنوز پای کمیته تحقیق آقایی رئیس جمهور در وزارت اطلاعات باز نشده بود که جناح خامنه ای با یک حمله، ابتدا جلوی پیشروی طرفداران رئیس جمهور را مسدود ساخت و سپس آنها را به عقب نشاند. درست زمانی که انگشت اتهام متوجه وزیر اطلاعات و همکاران نزدیک وی بود و جناح خامنه ای تحت فشار قرار گرفته بود که با او تعیین تکلیف کند، "چراغ" (۱) ی در تلویزیون روشن شد که آتش اختلافات را شعله ورتر ساخت. فردی بنام حسینیان که رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی است و یکی از مقامات قضائی رژیم هم هست و در دادگاه ویژه روحانیت هم مسئولیت هائی دارد، در یک مصاحبه تلویزیونی که متن آن همان روز در کیهان هم به چاپ رسیده بود، نه فقط مقتولین را "مرتد"، "ضدانقلاب" و "مهدورالدم" خواند، که همه این ها بمعنی آن بود که فتوای قتل آنها قبلا توسط یک کارشناس مذهبی درجه اول صادر شده است، بلکه مسئولیت قتلها را هم تماما به گردن رئیس جمهور و طرفداران وی انداخت. حتی از جانب افراد وابسته به جناح خامنه ای چنین مطرح گردید که قتلها توسط معاون وزیر اطلاعات که از سوی خاتمی و جناح او به این وزارت خانه تحویل شده، سازماندهی شده است

جدائی دین از دولت، جزئی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی

بمناسبت سالروز قیام و سیاهکل

راهی جز قیام و انقلاب باقی نمانده است

کارگران! زحمتکشان! روشنفکران انقلابی!

با فرارسیدن ۱۹ بهمن، سازمان ما ۲۸ سال حیات سیاسی پر افتخار خود را که آکنده از مبارزه و حماسه آفرینی فدائیان از سیاهکل تا به امروز، به خاطر سوسیالیسم و آزادی است، پشت سر می گذارد و بیست و نهمین سال فعالیت سیاسی خود را آغاز می کند.

این پایداری و تداوم حیات سیاسی سازمان ما، برغم تمام سرکوبها و کشتار فدائیان توسط رژیم سلطنتی محمدرضا شاه و رژیم جمهوری اسلامی، ماحصل پیگیری در مبارزه علیه رژیم های ارتجاعی حاکم بر ایران و دفاع خستگی ناپذیر از سوسیالیسم و آزادهای آزادی خواهانه عموم توده های مردم است. موجودیت سازمان ما از همان هنگام که در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، صغیر رگبار مسلسل چریکهای فدایی خلق در سیاهکل، جزیره ثبات و آرامش، رژیم شاه را متلاطم ساخت با مبارزه ای آشتی ناپذیر علیه نظم موجود، گذاشته شد. برغم اینکه رژیم شاه صدها تن از فدائیان را به جوخه اعدام سپرد و هزاران تن را در سیاهچالهای قرون وسطایی خود به بند کشید، این مبارزه همچنان پیگیرانه ادامه یافت. در تداوم این مبارزه است که توده های مردم ایران به مبارزه ای علنی و مستقیم برای برانداختن رژیم سلطنتی روی آوردند، به انقلاب متوسل شدند و با قیام مسلحانه ۲۲ بهمن، رژیم شاه را سرنگون کردند. اما برغم اینکه رژیم شاه سرنگون شد، آمال و آرزوها و خواستهای مردم از انقلاب تحقق نیافت. علت آن نیز در این بود که بار دیگر مرتجعین دشمن انقلاب و توده های مردم ایران، قدرت را از چنگ مردم بیرون آوردند. کارگران و زحمتکشان ایران در نتیجه سالها اختناق و سرکوب، امکان نیافته بودند که به قدر کافی آگاه و متشکل شوند و با سرنگونی رژیم قدرت سیاسی را بدست بگیرند و مطالبات و آرمانهای انقلابی خود را متحقق سازند. این ضعف تشکل و آگاهی توده ها، زودباوری و اعتماد ناشی از ناآگاهی را در پی داشت. از این روست که توده مردم به مرتجعی به نام خمینی اعتماد کردند و بدینطریق ارتجاع مذهبی و طبقاتی امکان یافت که خود را در راس جنبش قرار دهد و با سرنگونی رژیم شاه، قدرت سیاسی را بدست بگیرد. این قدرت ارتجاعی به محض استقرار، سرکوب انقلاب و توده های مردم ایران را آغاز نمود. با اعدام، کشتار، زندان و سرکوبهای قهرآمیز دیگر، دست آوردهای انقلابی مردم را از آنها باز پس گرفت و مجدداً رژیم ترور و اختناق را برقرار نمود. معجزاً برغم تمام وحشی گریهایی که این رژیم در ۲۰ سال گذشته داشته است، از جمله سرکوب جنبشهای اعتراضی کارگران و زحمتکشان، کشتار دهها هزارتن از مردم ایران، اختناق هولناک و سلب ابتدائی ترین آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم سرکوب زنان و محروم ساختن آنها از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود، و دهها و صدها وحشی گری و جنایت دیگر که تازه ترین نمونه آن ترور بیرحمانه مخالفین سیاسی و نویسندگان آزادی خواه بوده است، نتوانسته مردم را از ادامه مبارزه برای تحقق خواستهای خود باز دارد و پایه های قدرت جابرانه خود را مستحکم سازد، بلکه بلعکس بیش از پیش در یک بحران عمیق و همه جانبه فرورفته است.

در نتیجه سیاستهای ارتجاعی حکومت اسلامی، بحران اقتصادی، ابعاد کم نظیری به خود گرفته و شرایط مادی و معیشتی توده های مردم به نحو بی سابقه ای وخیم شده است. افزایش روزافزون بهای کالاها، کاهش روزافزون دستمزد واقعی کارگران و حقوق بگیران رده های پایین، بیکاری میلیونها تن از کارگران و جوانان، فقر و گرسنگی، زندگی را بر میلیونها تن از توده های زحمتکش مردم دشوار و غیرقابل تحمل نموده است. این اوضاع اسفبار منجر به تشدید اعتراض و مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه رژیم شده است. در عین حال اختناق و سرکوب و بی حقوقی عموم توده های مردم، به تشدید مبارزه برای کسب آزادی و حقوق دموکراتیک، انجامیده است. اکنون دیگر بر همگان واضح است که جمهوری اسلامی رسالتی جز تشدید وخامت شرایط مادی و معیشتی مردم و به بندکشیدن آنها نداشته و ندارد و تنها راه نجات، برانداختن آن است. درحالیکه مبارزه مردم روزبروز رشد و اعتلاء می یابد تضادهای درونی هیئت حاکمه نیز تشدید می شوند و کشمکشهای های درونی مرتجعین ضعف و ورشکستگی رژیم را بیشتر بر ملا میسازد.

تمام این واقعیتها نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی به واپسین روزهای حیات ننگین خود نزدیک شده و مردم ایران آماده میشوند که این رژیم ستمگر را نیز همانند رژیم شاه به زیاله دانی تاریخ بسپارند.

کارگران و زحمتکشان! روشنفکران انقلابی!

تنها راه نجات از شر فجایی که رژیم جمهوری اسلامی به بارآورده، تشدید مبارزه و تسریع سرنگونی آن است. تجربه مبارزات در دوران مبارزه علیه رژیم سلطنتی نشان داد که موثرترین و قطعی ترین راه مبارزه برای سرنگونی رژیم، توسل به اعتصابات عمومی سیاسی و قیام مسلحانه است. رژیم جمهوری اسلامی را تنها در جریان یک اعتصاب عمومی سیاسی و تظاهرات توده ای که به قیام مسلحانه بیانجامد، میتوان برانداخت. اما بخاطر داشته باشید که تنها سرنگونی رژیم کافی نیست. نباید اجازه داد که فاجعه انقلاب شکست خورده گذشته تکرار شود و یکبار دیگر مرتجعین، انقلاب را به شکست بکشاند. کارگران و زحمتکشان به هیچ وجه نباید به طبقات و اقشار غیر کارگر اعتماد کنند و وعده و وعیدهای آنها را باور نمایند. کارگران و زحمتکشان خود باید قدرت سیاسی را بدست بگیرند و با استقرار یک حکومت شورائی، انقلاب را به فرجام پیروزمندش برسانند.

سازمان فدائیان (اقلیت) که مدافع منافع طبقه کارگر و از موضع این طبقه مدافع منافع عموم توده های زحمتکش و ستمدیده است، هدف فوری خود را سرنگونی جمهوری اسلامی، برقراری حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان و تحقق همه جانبه خواستهای دموکراتیک - انقلابی، رفاهی و آزادیخواهانه مردم قرارداده است. سازمان فدائیان (اقلیت) در سالروز سیاهکل و سالروز قیام مسلحانه ۲۲ بهمن یکبار دیگر بر عزم استوار خود در مبارزه برای سوسیالیسم و آزادی پای می فشارد و کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی را به تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان فرامیخواند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان
 زنده باد سوسیالیسم
 سازمان فدائیان (اقلیت)
 بهمن ماه ۱۳۷۷

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

درس های انقلاب

تعمیق این بحران همه جانبه، یکبار دیگر توده مردم به پا می خیزند تا با قدرت لایزال و ابتکار انقلابی خود مرتجعین را از اریکه قدرت به زیر کشند و وظائف معوقه انقلاب را بمرحله عمل و اجرا بگذارند. با این چشم انداز ضروریست که در آستانه قیام مسلحانه ۲۲ بهمن، روند تحول انقلابی که به قیام ۲۲ بهمن انجامید، دست آوردها و علت شکست انقلاب مرور شود و بازم بر درسهایی این انقلاب تاکید کنیم. انقلابی که به قیام و سرنگونی رژیم سلطنتی انجامید، از درون یک بحران اقتصادی و سیاسی سر بر آورد که از حوالی سال ۵۵ آغاز گردید و شورش تهیدستان حاشیه نشین شهر تهران را به همراه داشت. از آنجائی که این بحران ماحصل انفجار تضادهای لاینحل و انباشته شده جامعه ایران بود که در چارچوب نظم موجود راه حلی پیدا نمی کرد، به زودی خود را در هیئت یک بحران سیاسی ژرف، یک بحران انقلابی نمودار ساخت. توده مردمی که در دوران سکون و آرامش، بی حقوقی و اختناق، فقر و بدبختی را تحمل کرده بودند، آرام آرام بپا می خاستند. با رشد و گسترش بحران، اعتراضات شکلی علنی بخود می گرفت و در سال ۵۶ در برخی شهرها، جنبش های اعتراضی به شکل قیامهای محلی ظهور کرد. رژیم شاه که در آغاز هنوز به خصلت این بحران پی نبرده بود، کوشید که با تاکتیک قهر و سرکوب، این جنبشها را مهار کند. اما سرکوب به هنگامی که بحران انقلابی آغاز شده بود نتایج معکوس ببار آورد. اعتراضات و مبارزات علنی تداوم و گسترش یافت. جنبش اعتراضی علنی پایتخت رژیم شاه را فرا گرفت. اما رژیم شاه هنوز هم در این پندار بسر میبرد که با سرکوب قهری و خونین میتواند جنبش را مهار کند. لذا دست به کشتار وحشیانه مردم تهران در ۱۷ شهریور زد. این کشتار، نفرت مردم را از رژیم صد چندان کرد و منجر به اعتلا جنبش به مرحله ای عالی تر یعنی موقعیت انقلابی گردید. جنبش علنی اعتراضی سراسر ایران را فرا گرفت. کارگران که در آغاز با طرح مطالبات اقتصادی و صنفی، جنبش اعتصابی خود را آغاز کرده بودند، در مدتی کوتاه با مطالبات اقتصادی و سیاسی پیش آمدند. با ورود طبقه کارگر به عرصه مبارزه علنی علیه رژیم شاه، تحولی کیفی در اشکال مبارزات توده ای انجام گرفت. اعتصاب عمومی سیاسی که بار اصلی آن بردوش طبقه کارگریان بود، ضربه ای سهمگین بر رژیم شاه وارد آورد. تظاهرات و راهپیمائی با اعتصاب عمومی سیاسی تلفیق شد. در جریان این مبارزه، توده مردم که ابتکار عمل را به دست گرفته بودند، آزادی را با نبرد بدست آورده بودند و تمام قوانین توده ای، و مقررات ارتجاعی رژیم شاه را زیر پا گذاشته بودند. هیئت حاکمه که در جریان این مبارزه از درون با تضادها و شکاف های عمیقی روبرو

شده بود، کوشید تاکتیک لیبرالی باصطلاح رفرم را همراه با تاکتیک سرکوب بکار گیرد تا از این طریق جنبش را مهار کند، صدای انقلاب را شنید و وعده آزادی داد، اما توده های که زنجیرهای اسارت را به دور انداخته و با مبارزه و ابتکار انقلابی خود آزادی را بدست آورده بودند، مصمانه به پیش می رفتند. مردم ایران در جریان انقلاب خود این حقیقت مسلم را بار دیگر به اثبات رساندند که آزادی را تنها با نبرد، با تظاهرات، با اعتصاب و با جنگ خیابانی با مرتجعین میتوان بدست آورد. مرتجعین خودکامه با آزادی مردم دشمنی دارند و تنها هنگامی که با طوفان جنبش انقلابی مردم روبرو میشوند می کوشند با وعده آزادی و قبول ظاهری آن مردم را فریب دهند و آرام کنند تا دوباره سر فرصت این آزادی را از آنها بازپس گیرند. لذا با تجربیاتی که مردم ایران از گذشته داشتند، بدیهی بود که دیگر فریب وعده های آزادخواهان شاه مستبد و مرتجع را نخوردند.

دست آورد دیگری که توده مردم ایران تا این مقطع داشتند، درک اهمیت و نقش اعتصاب عمومی سیاسی بود. وقتی که میلیونها کارگر درسراسر ایران بخاطر مطالبات اقتصادی و سیاسی خود و در راستای سرنگونی رژیم شاه، چرخ تولید را متوقف ساختند، کارگران نفت منبع تغذیه مالی و دستگاه دولتی را قطع کردند و کارمندان موسسات نیز به اعتصاب عمومی سیاسی پیوستند، رژیم شاه عملاً فلج شد. نیروی نظامی و سرکوب دیگر نمیتوانست با میلیونها تن که به اعتصاب عمومی سیاسی پیوسته بودند مقابله کند. کارائی اعتصاب عمومی سیاسی هنگامی بیشتر شد که با راهپیمائی و تظاهرات میلیونها تلفیق گردید. مردم عملاً زمام امور را بدست گرفته بودند و کمیته های اعتصاب و کمیته های محلات به رتق و فتق امور پرداخته و تصمیم می گرفتند. با این همه، مردم از روی تجربه شکستهای گذشته خود میدانستند که اگر ضربه قطعی را به رژیم شاه وارد نیاورند و آن را سرنگون نکنند، در اولین فرصت با نیروی مسلح و سرکوبش بر اوضاع مسلط خواهد شد. مردم خواستار مسلح شدن و قیام مسلحانه برای بر افکندن نظام سلطنتی بودند، اما مرتجعینی که خود را در رهبری جنبش تحمیل کرده بودند، می خواستند، دستگاه دولتی دست نخورده به آنها منتقل گردد تا راحت تر بتوانند از پس سرکوب انقلاب برآیند، با این همه، جرقه ای کافی بود تا مردم به قیام مسلحانه برخیزند. در جریان انقلاب، سربازان و بخشی از درجه داران و افسران رده های پائین نیروهای مسلح رژیم شاه به مردم پیوسته بودند، نیروی گارد وفادار به شاه برای سرکوب همافران شورشی دست به عمل نظامی زد و همین کافی بود تا مردم، تمام شهر تهران را سنگر بندی کنند، به پادگانها و مراکز پلیس یورش برند و مسلح شوند و بساط رژیم شاه را جاروب کنند. قدرت این جنبش توده ای که با تظاهرات میلیونی، سنگر بندیهای خیابانی، اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه رژیم سلطنتی را به گور سپرده بود، چنان عظیم بود که برغم این که ضد انقلاب، قدرت سیاسی را به دست آورده بود و مردم از روی نا آگاهی و توهم به خمینی اعتماد کرده بودند، به

اطلاعیه

راهپیمائی و گردهم آئی

صدها تن از کارگران کارخانه نخ کار



کارگران کارخانه نخ کار در ادامه اعتراضات چندماه گذشته خود، روز دوشنبه، با راهپیمائی و تجمع در برابر وزارت کار، خواهان پرداخت حقوق معوقه کارگران و راه اندازی مجدد این واحد تولیدی شدند.

کارفرمای کارخانه پارچه بافی نخ کار واقع در جاده قدیم کرج، چندین ماه است که فعالیت تولیدی را در این کارخانه متوقف ساخته و از پرداخت دستمزد کارگران نیز سرباز زده است. در اعتراض به این اقدامات ارتجاعی کارفرما، حدود ۵۰۰ تن از پرسنل این کارخانه روز سوم خرداد سال جاری با یک تجمع اعتراضی در برابر کارخانه، خواستار پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه و راه اندازی مجدد کارخانه شدند. دولت از کارگران خواست که به اعتراض خود پایان دهند و وعده داد که بزودی خواستهای آنها را عملی خواهد ساخت. اما چند ماه دیگر نیز گذشت و وعده دولت عملی نشد، لذا روز گذشته کارگران با راهپیمائی و تجمع اعتراضی مجدد، خواستار تحقق فوری مطالبات خود شدند. مسئولین وزارت کار این بار نیز با این ادعا که کمیسیونی با شرکت وزارت کار و صنایع مامور رسیدگی به مسئله است، به کارگران وعده دادند که در آینده نزدیک خواستهای آنها عملی خواهد شد.

در یک ماه اخیر اعتراضات وسیعی از جانب کارگران کارخانه ها و موسسات مختلف به عدم پرداخت دستمزد و حقوق کارگران، تعطیل کارخانه ها از سوی کارفرمایان، سطح نازل دستمزد کارگران و مطالبات دیگر صورت گرفته که از آن جمله میتوان به اعتصاب و تظاهرات کارگران جهان چیت کرج، کارخانه پرسیان رشت، شرکت آرامش، کارخانه چرم آذر از مجموعه کارخانه های کفش ملی و جنبش اعتراضی کارگران کاشان اشاره کرد. کارگران در کارخانه ها و موسسات مختلف به شدت تحت فشار و استثمار قرار گرفته اند. سرمایه داران و دولت آنها می کوشند، فشار بار بحران اقتصادی را بردوش کارگران بیاندازند. لذا در بسیاری از موسسات ماههاست که دستمزد کارگران پرداخت نشده است. سرمایه داران با تعطیل کارخانه ها و بهانه تراشی های مختلف، صدها هزار کارگر را اخراج کرده اند و روز بروز دستمزد و مزایای کارگران شاغل را کاهش داده اند. این اقدامات ارتجاعی سرمایه داران و دولت آنها، واکنش اعتراضی شدید کارگران را در پی داشته و اعتصابات، راهپیمائی ها و تظاهرات متعددی در چندماه گذشته صورت گرفته است.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت از مبارزات کارگران و محکوم کردن اقدامات ارتجاعی و ضدکارگری کارفرمایان و دولت آنها، خواهان تحقق هرچه فوری مطالبات کارگران معترض، از جمله کارگران کارخانه نخ کار است.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۷۷/۱۱/۶

جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

تاریخ مختصر جنبش بین‌المللی کارگری (۳۶)

دوران انترناسیونال دوم

به پایان رسید. ۸۹۶ نماینده از سازمانهای سوسیالیستی و اتحادیه‌های کارگری ۲۳ کشور در این اجلاس حضور داشتند. (۷۶)

یکی از مسائل مورد بحث در این کنگره که اختلافات حادی را به همراه داشت و انعکاس رشد ریویزیونیسم در میان احزاب سوسیالیست بود، شیوه برخورد به تعاونیها و ارزیابی نقش و اهمیت آنها بود.

جناح راست که ژوره فرانسوی آن را نمایندگی میکرد و قطعنامه خود را پیش از برگزاری کنگره ارائه داده بود، در برخورد به تعاونیها نگرشی کاملا بورژوازی-رفرمیستی ارائه میداد. این نگرش تعاونیهای پرولتری را تا سطح تعاونیهای خرده تولیدکنندگان پائین می‌آورد. آنها را یکی از عناصر گذار تدریجی از سرمایه داری به سوسیالیسم میدانست. و بر این اعتقاد بود که تعاونیها ابزار دمکراتیزه کردن تولید و توزیع و عنصری از دگرگونی سوسیالیستی هستند. این جناح در عین حال خواهان بیطرفی تعاونیها در قبال احزاب کارگری بود.

لنین به نمایندگی از جناح چپ مارکسیست، ضمن رد این نگرش، قطعنامه ای را به کمیسیون ارائه داد که نقش و جایگاه واقعی تعاونیهای پرولتری را روشن میساخت. در این قطعنامه گفته شده بود:

— تعاونیهای پرولتری این امکان را به طبقه کارگر میدهند تا استثمار واسطه‌ها را کاهش دهد و وضعیت اش را بهبود بخشد.

— این تعاونیها از طریق کمکهایی که به کارگران در جریان اعتصابات و بستن کارخانه‌ها توسط کارفرمایان مینمایند، نقش همواره روزافزونی پیدا میکنند.

— تعاونیهای پرولتری با سازماندهی توده‌های طبقه کارگر، مدیریت مستقل و سازماندهی توزیع را به آنها یاد میدهند و کارگران را برای سازماندهی زندگی اقتصادی در جامعه سوسیالیستی آینده آماده میکنند.

سپس قطعنامه، توم پراکنی های بورژوازی-رفرمیستی ریویزیونیستها را در مورد تعاونیها بر ملا میکرد و میگفت:

— بهبودهایی که جوامع تعاونی پدید آورده اند، مادام که وسائل تولید و توزیع در دست طبقه‌ای قرار دارند که خلع یازان، هدف عمده سوسیالیسم است، در محدوده‌های تنگی باقی خواهند ماند.

— تعاونیها که موسساتی صرفا تجاری هستند، حامل این گرایش اند که به شرکت‌های سهامی بورژوازی تبدیل شوند و به انحطاط‌گریند.

— تعاونیها که سازمان‌هایی برای مبارزه مستقیم علیه سرمایه نیستند، میتوانند این توهمر که آنها ابزار حل مسائل اجتماعی هستند پدید آورند.

سرانجام، این قطعنامه از کارگران سراسر جهان میخواست که:

— به جوامع تعاونی پرولتری ملحق شوند و به هر شکل پیشرفت آنها را تسریع نمایند و بر مبنای یک‌مشی‌اکیدا دموکراتیک (حق عضویت پائین، یک سهم برلی هر نفر و غیره) آنها را سازماندهی کنند.

— از طریق تبلیغ و ترویج مستمر و پیگیر در درون تعاونیها به گسترش ایده‌های مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم در میان توده‌های کارگر مدد رسانند.

— با رشد درک سوسیالیستی در جوامع تعاونی، پیوندهای ارگانیک میان تعاونیها و احزاب سوسیالیست و اتحادیه‌ها را توسعه داده و تحکیم بخشند.

و سرانجام این که گفته میشد، تعاونیهای تولید تنها هنگامی میتوانند به مبارزه طبقه کارگر یاری رسانند که اجزا لاینفک تعاونیهای مصرف باشند. (۷۷)

این قطعنامه، از جانب کنگره‌ای که اکثریت آنرا جناح راست و مرکزتشکیل میدادند پذیرفته نشد. قطعنامه ای که پذیرفته شد، قطعنامه مشترک هیئت نمایندگان بلژیک و اطریش بود. این قطعنامه میپذیرفت، طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی خود علاقمند به استفاده از تعاونیها به عنوان یک سلاح است. سپس به مزایای مستقیم تعاونیها از جمله مبارزه با استثمار بازرگانی میپرداخت، و در عین حال علیه نظر کسانی بود که تعاونیها را ابزار حل مساله اجتماعی میپنداشتند. این قطعنامه بر پیوندهای ارگانیک، نزدیکتر و نزدیکتر میان احزاب سوسیالیست و تعاونیها تاکید

←

درحالی که نخستین دهه قرن بیستم به پایان میرسید، تضادهای نظام سرمایه داری جهانی در مرحله امپریالیستی تکامل آن به منتها درجه تشدید شده بود. تشدید تضاد کار و سرمایه به اعتلا گسترده جنبش کارگری، اشکال تعرضی مبارزه طبقه کارگر، تظاهرات وسیع و اعتصابات عمومی چندصد هزار نفره انجامیده بود که یک نمونه آن اعتصاب عمومی ۳۰۰۰۰۰ کارگر بارسلون در ژوئیه ۱۹۰۹ بود. تضاد میان قدرتهای امپریالیست جهان و ملت‌های تحت ستم کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره نیز به نحوی روز افزون تشدید میشد و جنبشهای رهائی بخش ملی ابعاد وسیع تری به خود میگرفت. در این میان تضاد قدرتهای امپریالیست بر سر تجدید تقسیم بازارهای جهان به مرحله ای از حدت رسیده بود که خطر بروز یک جنگ امپریالیستی هر لحظه نزدیکتر میشد. مجموعه این تضادها و درگیریها حاکی از آن بود که نظام سرمایه داری جهانی به زودی با یک بحران بزرگ روبرو خواهد شد و لحظه انقلاب پرولتری جهانی فرا خواهد رسید. اما عامل ذهنی با این روند تحول عینی اوضاع در جهت انقلاب پرولتری هم نبود.

احزاب سوسیالیست که میبایستی آماده نبردی قطعی برای سرنگونی بورژوازی از طریق انقلاب پرولتری باشند، عمدتا از انقلاب پرولتری روی برتافته، بیش از پیش در منجلاپ اپورتونیسم فرومیرفتند و رفرمیسم به مشی مسلط آنها تبدیل میشد. عدول روزافزون از مشی انقلابی، به تشدید اختلافات در درون این احزاب انجامیده بود. با گرایش روزافزون حزب سوسیال دمکرات آلمان براسست، جناح چپ انقلابی حزب، تحت رهبری روزا لوکزامبورگ، کلارا زتکین، کارل لینکنشت، فرانتر مهتریک، مبارزه علیه اپورتونیسم و رفرمیسم را تشدید کرد. جناح چپ با مبارزه گسترده علیه توم پراکنی های پارلمانتاریستی و رفرمیستی، از تاکتیکهای انقلابی، اقدامات توده‌ای خارج از پارلمان، اعتصاب توده ای، سیاستهای شدیداً ضد ملیتاریستی، و در یک کلام تاکتیک‌هایی که در راستای برپائی انقلاب اجتماعی پرولتری بود دفاع میکرد. در زمینه تشکیلاتی نیز جناح چپ در برابر جناح راست که حزب را ابزار رفرم سیاسی میدانست و مخالف تشکیلات مستحکم کارگری بود، خواستار تجدید ساختار حزب بر مبنای سانترالیسم دمکراتیک یعنی حزب انقلاب بود.

در میان سوسیال دمکرات‌های کشورهای دیگر نیز همین اختلاف نظر‌ها و مبارزه جناح چپ علیه اکثریت راست رفرمیست و سانتریست وجود داشت. در لهستان، سوسیال دمکرات‌های جناح چپ و در پیشاپیش آنها فلیکس درژینسکی، روزا لوکزامبورگ، در بلغارستان، سوسیال دمکرات‌های موسوم به تسنیایی، در هلند جناح چپ موسوم به تربونیست نیز کمابیش از مواضع مشابهی دفاع میکردند. در روسیه هم از مدت‌ها پیش مبارزه دو جناح چپ و راست، عملاً به دو حزب جداگانه انجامیده بود.

معهدا برغم تمام تلاش و مبارزه جناح چپ، به استثنای روسیه و تا حدودی بلغارستان، جناح چپ مجموعاً ضعیف بود و اکثریت بسیار عظیم را جناح راست و مرکز تشکیل میدادند. علاوه بر این که اکثریت عظیم احزاب سوسیالیست به انقلاب اجتماعی پشت میکردند و بیش از پیش به احزاب رفرمیست تبدیل میشدند، بوروکرات‌های اتحادیه‌های کارگری و اشرافیت کارگری نیز مانع حرکت و ابتکار عمل انقلابی توده‌های کارگر بودند. در این اوضاع بود که واپسین کنگره‌های انترناسیونال دوم تشکیل گردید.

کنگره کپنهاگ

دفتر بین الملل سوسیالیست در یازدهمین اجلاس خود تاریخ قطعی کنگره هشتم انترناسیونال دوم و محل برگزاری آن را در کپنهاگ تصویب نمود. دستور جلسه کنگره را نیز مشخص ساخت که مهمترین موضوعات آن بحث و تصمیم‌گیری در مورد جنبش تعاونی، مساله جنگ، خلع سلاح و دادگاه‌های حل اختلاف در منازعات بین‌المللی، مساله بیکاری، نتایج قانونگذاری کار در کشورهای مختلف و سازماندهی آن در شکلی بین‌المللی و سازماندهی بین‌المللی کمک به اعتصابات بزرگ بود.

کنگره در ۲۸ اوت ۱۹۱۰ در کپنهاگ گشایش یافت و در سوم سپتامبر

کنگره بال

← داشت. (۷۸)

قرار بود کنگره بعدی انترناسیونال سوسیالیست در ۱۹۱۴ در وین تشکیل شود، اما درگیریهای مسلحانه در بالکان، تشدید تضادهای قدرتهای امپریالیست، بلوک بندیهای نظامی و قریب الوقوع بودن جنگ اروپائی به تشکیل یک کنگره اضطراری در ۱۹۱۲ در بال انجامید. در کنگره اضطراری بال که ۲۴ نوامبر گشایش یافت و فردای آن روز به پایان رسید، ۵۵۵ نماینده از ۲۳ کشور جهان حضور یافتند. (۸۱)

در این کنگره اضطراری که برای پرداختن به خطر جنگ تشکیل شده بود، وحدت بی سابقه ای حاکم بود و قطعنامه ای هم که صادر شد به اتفاق آرا به تصویب رسید. برغم اختلاف نظر فاحشی که میان جناح چپ و راست و مرکز بر سر مسائل مختلف وجود داشت، این اتفاق نظر دلائل مشخصی داشت. نخست این که احساسات ضد جنگ در میان توده های کارگر شدید بود و آکسیونهای گسترده ای علیه جنگ در جریان بود، لذا جناح راست نمیتوانست این روحیات توده ها را مد نظر قرار ندهد.

ثانیا _ در آستانه جنگ اروپائی، مخالفت همه جناحها با آغاز جنگ، منجر به نوعی تفاهم در درون انترناسیونال برای قدرت نمائی در برابر دولتهای اروپائی شده بود و اتفاق نظر حاکم در کنگره بال، بازتاب این وضعیت بود. اما اتفاق نظر به این معنا نبود که همه در برخورد با مساله جنگ موضع واحدی دارند و با آغاز جنگ نیز موضعی انقلابی اتخاذ میکنند و مصوبات را اجرا می نمایند. این واقعیت را آغاز جنگ و پشت پا زدن بخش اعظم احزاب سوسیالیست به قطعنامه ها، و مصوبات کنگره های انترناسیونال دوم، از جمله بیانیه بال و رای دادن به اعتبارات جنگی و دفاع از دولتهای خودی در جنگ نشان داد. در هر حال، کنگره بال بیانیه ای را بالاتفاق تصویب نمود که منطبق بر مصوبه اشتوتگارت در برخورد به مساله ملیتاریسم و جنگ بود.

بیانیه بال از جنگی که طبقات حاکمه در پی برافروختن آن بودند به عنوان جنگی غارتگرانه که مغایر منافع کارگران است، یاد نمود و از سوسیا _ لیستهای تمام کشورها خواست که دست به مبارزه ای همه جانبه علیه جنگ بزنند. بیانیه از کارگران تمام کشورها خواست که با نیروی همبستگی بین المللی پرولتری، با امپریالیسم سرمایه داری مبارزه نمایند. اعلام میکرد که کارگران فرانسه و آلمان نمیتوانند هیچگونه تعهدی را به مداخله در جنگ بالکان به خاطر قراردادهای سری بپذیرند و می افزود جنگ بخاطر نزاع اطریش و صربستان، دیوانگی جنایتکارانه ای است. بیانیه با یاد آوری این واقعیت که جنگ فرانسه و آلمان، قیام انقلابی کمون را در پی داشت و جنگ روس و ژاپن به انقلاب ۱۹۰۵ انجامید و با اشاره به آکسیون های ضد جنگ کارگران، از جمله برپائی اعتصابات گسترده، به قدرتهای جنگ طلب اروپائی هشدار داد که یک جنگ جهانی نارضایتی و طغیان طبقه کارگر را در پی خواهد داشت. ایضا متذکر میشد که دولتها تنها با به مخاطره انداختن خود میتوانند جنگ را آغاز کنند. بیانیه تاکید میکرد که کارگران، شرکت در جنگ راجحانیت میدانند و هر گونه شلیک به یکدیگر را به خاطر سود سرمایه داران، افتخارات دودمانی و معاهدات سری دیپلماتیک، جنایتکارانه در نظر میگیرند. بیانیه با اشاره به این واقعیت که جنگ، بحران اقتصادی و سیاسی و نارضایتی توده ای پدید می آورد، این وظیفه را در برابر سوسیالیستها قرار داد که از بحران و خشم کارگران استفاده کنند. مردم را به حرکت در آورند و سقوط سرمایه داری را تسریع کنند. (۸۲) کنگره بال با صدور این بیانیه به کار خود پایان داد.

(ادامه دارد)

منابع:

- ۸۱، ۷۶_ انترناسیونال دوم، ایگور کری و گوز
۷۸، ۷۹_ کلیات آثار لنین، جلد ۱۶
۸۰_ جنبش بین المللی طبقه کارگر، جلد دوم
۸۲_ کلیات آثار لنین، جلد ۲۱

این قطعنامه برغم این که مجموعا متضمن نظرات درستی نیز بود، اما همانند دیگر قطعنامه های جناح مرکز، کلی گوئی بود، و راه حلهای مشخصی به عنوان رهنمود عمل احزاب سوسیالیست ارائه نمیداد. به همین علت جناح چپ در کمیسیون تدوین قطعنامه مربوط به تعاونها به آن رای نداد. مباحثی که در جریان کنگره و تصویب این قطعنامه پیش آمد، حاکی از ابهامات و کلی گوئی های آن بود. لنین بعدا در این مورد نوشت که در جریان کنگره و بحث بر سر این مساله، هر لحظه اختلافاتی پدید آمدند، اما روشن نشدند و نتیجه آن "قطعنامه ای است که ابهام ایده ها را منعکس میساخت و در مورد آن چیزی که میبایستی در قطعنامه کنگره احزاب سوسیالیست گفته شود، چیزی گفته نشد." (۷۹) با این وجود جناح چپ در جریان رای گیری بر سر قطعنامه ها ناگزیر شد، به همین قطعنامه رای دهد، تا قطعنامه جناح راست نتواند تصویب شود.

کنگره کپنهاگ یک بار دیگر مسئله ملیتاریسم و جنگ را مورد بررسی قرار داد. جناح راست، در جریان این بحث کوشید دامنه عمل اقدامات جنبش کارگری را به ایراد سخنرانی در پارلمان، دادگاه های حل اختلاف و خلع سلاح محدود کند. جناح چپ تاکید خود را بر اقدامات خارج از پارلمان از جمله برپائی آکسیونهای توده ای ضد جنگ، سازماندهی اعتصاب عمومی توده ای، تبلیغات گسترده ضد جنگ در صفوف نیروهای مسلح و تشکیل میلیشیای کارگری قرار داد. جناح چپ با طرح مساله خلع سلاح و نیز دادگاههای حل اختلاف نیز موافق نبود، چرا که یا آن را عملی نمیدانست و یا در مورد دادگاهها معتقد بود، که آنها نمیتوانند مانع بروز جنگها شوند. در نهایت آنچه که پذیرفته شد، چارچوب قطعنامه اشتوتگارت بود. در قطعنامه ملیتاریسم و جنگ، کنگره خواستار مخالفت با اعتبارات جنگی، حل منازعات بین المللی از طریق دادگاههای حل اختلاف، محدود کردن تسلیحات نیروی دریائی، خلع سلاح عمومی، لغو دیپلماسی سری، برسمیت شناخته شدن حق تعیین سرنوشت و گسترش اعتراضات علیه جنگ شد و دو پاراگراف پیشنهادی روزالوکزامبورگ و لنین رادرن کنگره اشتوتگارت به آن افزود. اما این قطعنامه تبلیغات ضد جنگ در صفوف نیروهای مسلح، اعتصاب عمومی سیاسی و تشکیل میلیشیای کارگری را نپذیرفت.

کنگره کپنهاگ بار دیگر مساله بیکاری، کمک به بیکاران و حمایت از کارگر را مورد بحث و بررسی قرار داد. در جریان بحث بر سر این مساله نیز تقابل جناح راست و جناح چپ خود را نشان داد. جناح چپ تلاش میکرد که مساله مورد بحث را با تدارک برای انقلاب پرولتری مرتبط سازد، اما جناح راست، راه حل مساله حمایت از کارگر را از طریق همکاری کارگران و سرمایه داران ممکن میدانست.

در قطعنامه ای که به تصویب رسید، همانند قطعنامه های پیشین تاکید شد که بیکاری از شیوه تولید سرمایه داری جدائی ناپذیر است. اما قطعنامه خواستار انجام اقداماتی به نفع کارگران در چارچوب نظم موجود گردید و از تصویب قوانینی به منظور کمک به بیکاران به خرج دولت و سرمایه داران، ایجاد سازمانهای کمک خاص که اتحادیه ها بر آنها نظارت داشته و آنها را کنترل کنند، کاهش ساعات کار روزانه، سازماندهی کار عمومی، حفظ تمام حقوق مدنی بیکاران و غیره شد. (۸۰) کنگره کپنهاگ در قطعنامه های دیگر خود بر همکاری مداوم اتحادیه هادر سراسر جهان تاکید نمود. از اتحادیه ها خواست که کمک های سریع و موثری به آکسیون کارگران خارجی بکنند. از اقدامات کارگران کشورهای دیگر به شکلی موثر حمایت و پشتیبانی نمایند. کنگره با محکوم کردن تمایلات ناسیونالیستی و انشعاب طلبانه ای که خود را در انشعاب کارگران چک از اتحادیه های اطریش نشان داده بود، یعنی، با محکوم کردن تقسیم اتحادیه ها در یک کشور معین بحسب ملیت، اتحادیه ها را به اتحاد عمل هر چه بیشتر دعوت نمود. به ابتکار جناح چپ، کنگره بر اجرای اکید قطعنامه های کنگره های انترناسیونال سوسیالیست تاکید نمود. اما جناح راست با تصویب این پیشنهاد که احزاب سوسیالیست خود تصمیم میگیرند که کی و چگونه این مصوبات را اجرا کنند، پیشنهاد و مصوبه جناح چپ را خنثی کرد و عملا مساله به این صورت درآمد که جناح راست و مرکز تصمیمات را اجرا کنند.

کارگران خواستار افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم اند!

بحران وورشکستگی مالی بردوش کارگران جستجو می‌کنند.

صدها هزار کارگر توسط کارفرمایان اخراج و از کار بیکار شده‌اند. دهها هزار کارگر دیگر را در بلاتکلیفی نگاه داشته و در معرض اخراج و بیکاری قرار داده‌اند. به دهها هزار کارگر بعد از چندین ماه کار طاقت فرسا، حتی یک ریال هم نپرداخته‌اند. فقر، گرسنگی و در یک کلام، فشارهای همه‌جانبه‌ای را بر کارگران و میلیون‌ها عضو خانواده‌های کارگری تحمیل کرده‌اند.

از سوی دیگر تصمیم دولت اسلامی مبنی بر افزایش قیمت سوخت و سایر کالاها و خدمات دولتی به میزان ۲۵ درصد از ابتدای سال ۷۸ اعلام شده است. مجلس ارتجاع نیز سرانجام با افزایش بهای بنزین اگر چه نه به میزانی که مورد نظر دولت بود، اما بمیزان ۷۵ درصد موافقت کرد و بهای بنزین از لیتری ۲۰ تومان به ۲۵ تومان افزایش یافت. برای بروز آثار شدید تورمی این تصمیمات، لازم نبود تا سال ۷۸ آغاز شود. اثرات مخرب این تصمیمات از همان مقطع تصمیم‌گیری، خود را آشکار ساخته و افزایش شدید نرخ تورم را در پی داشته است. بهای بسیاری از کالاها و مایحتاج عمومی بسرعت افزایش یافته و گاه به دو برابر و سه برابر رسیده است. گوشت، تخم مرغ، قند، شکر، شیر، کرایه حمل و نقل و بسیاری از کالاها و خدمات دیگر گران شده است. رشد شتابان نرخ تورم و سیر صعودی قیمت‌ها، قدرت خرید و سطح معیشت کارگران را بیش از پیش تنزل داده است. سطح دستمزدها آنقدر پایین است که کارگران حتی با قلم کشیدن بروی برخی اقلام مورد نیاز از جمله گوشت، میوه و امثال آن نیز به زحمت می‌توانند با آن، یک سوم نیازهای خود، اعضا خانواده‌شان را تأمین کنند. به جرات می‌توان گفت وضعیت اقتصادی آنقدر وخامت‌بار است که اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان حتی قادر به تأمین حد اقل معاش خود نمی‌باشند.

اقدامات سرمایه‌داران و دولت آنها برای انداختن بار بحران و ورشکستگی برگردان کارگران، نه فقط در اخراج و بیکار سازیهای وسیع و عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران، و نه فقط در افزایش بهای کالاها و خدمات دولتی و تشدید وخامت وضعیت مادی و معیشتی خانواده‌های کارگری، بلکه همچنین در بودجه سال ۷۸ رژیم نیز انعکاس یافته است. جهت گیری بودجه سال آینده نیز که ۱۱ بهمن بتصویب مجلس رسید حاکی از تشدید فشار بر کارگران است. در این بودجه درآمدهای مالیاتی دولت از رشدی بیش از ۵۰ درصد برخوردار شده است. افزایش چشمگیر مالیات‌ها که مورد نظر دولت از سیاستهای مالیاتی، صرف نظر از افزایش مالیات مستقیمی که از حقوق کارمندان و دستمزد کارگران کسر میشود، اساسا افزایش مالیات‌های غیرمستقیم است. مالیات‌های غیرمستقیم، همان مالیاتی است که دولت بر کالاها و خدمات اساسی میبندد. از آنجا که مصرف‌کنندگان این گونه کالاها و خدمات نیز اساسا کارگران و زحمتکشان‌اند، بنابراین باز هم این کارگران و زحمتکشانند که یکبار دیگر هم بایستی از طریق افزایش مالیات‌های غیرمستقیم سرکوب شوند و بدین طریق سرمایه‌داران آخرین ریال‌هایی را هم که صرف تهیه نان خشک و خالی می‌شد، از جیب

کارگران می‌ربایند.

سرمایه‌داران و دولت آنها، در همان حال که مشکلات و دشواریهای روز افزونی را بردوش طبقه کارگر نهاده‌اند، دائما از کارگران می‌خواهند اوضاع را تحمل کنند و "دم" برنیاورند! اما چه کسی است که نداند تحمل مشکلات هم حد و مرزی دارد. فشار استثمار و سنگینی بار از مرز تحمل فراتر رفته و دیگر غیر قابل تحمل شده است. وخامت اوضاع به حدی رسیده است که حتی صدای مسئولین خانه کارگر هم از وجود مشکلات فزون از "حد" (۱) در آمده است. سرمایه‌داران و دولت آنها با این اقدامات و سیاستهای عمیقا ضد کارگری خود، طبقه کارگر را عملا به مصاف و رویارویی فرا خوانده‌اند. هم اکنون حتی تأمین حد اقل معاش کارگری هم بدون مبارزه میسر نمیشود. راه دیگری جز اعتراض جدی به وضع موجود، و جز تشدید مبارزه، فراروی کارگران باقی نمانده است. دستگاه حکومتی که سرگرم نزاع‌های درونی است در همان حال که ممکن است راجع به هزارویک مسئله کم‌اهمیت یا پراهمیتی در این زمینه اظهار نظر نماید، در مورد طبقه کارگر و وضعیت اسفبار زندگی کارگران خاموش است و حتی کلامی در مورد خواست کارگران نمی‌گوید. حتی در مورد خواست افزایش دستمزدها نیز سکوت کرده است! افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم، یکی از خواستهای اصلی کارگران بوده است. سال گذشته حدود ۱۸ درصد اسماء دستمزدها اضافه شد. این رقم نه فقط تناسبی با نرخ ۵۰ درصدی تورم در انتهای سال گذشته نداشت و به هیچ عنوان انتظار کارگران را برآورده نمی‌کرد، بلکه بحق اعتراضات بعدی کارگران را نیز در پی داشت. ادامه روند افزایش قیمت‌ها در سال جاری و رشد افسار گسیخته نرخ تورم، معنای دیگری جز کاهش مکرر دستمزدهای واقعی نداشت. کارگران دیگر قادر نبودند با دستمزدهای اصطلاحا اضافه شده، نیازهای خویش را حتی به همان میزان و حدود محدود سال قبل، برآورده سازند. کاهش دستمزدهای واقعی و تشدید این روند که معنایش محرمیت و گرسنگی بیشتر و تشدید فشارهای بی‌حد و حصر بر کارگران بوده است، خواست افزایش دستمزدها را کماکان به یکی از خواست‌های اصلی کارگران تبدیل نموده است. حدود ۲ سال پیش وقتی که قیمت دلار بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ تومان در نوسان بود و مقامات و روزنامه‌های وابسته به رژیم، حداقل هزینه ماهانه یک خانوار ۵ نفره را بیش از ۱۲۰ هزار تومان برآورد کرده و درآمد کمتر از آن در مرز و یا در زیر خط فقر محسوب می‌شد. اکنون که دلار به میمنت دولت آقای خاتمی و سیاست‌های اقتصادی آن، از مرز ۸۰۰ تومان تجاوز کرده است، بخوبی میتوان تورم شدید اقتصادی و فشارهای مادی فزون از حدی را که بر کارگران و خانواده‌های کارگری تحمیل شده است، مجسم نمود. سرمایه‌داران و دولت آنها کارگران را وحشیانه استثمار و سرکوب می‌کنند، کارگران و زحمتکشان را به قعر فقر و نگون بختی سوق میدهند، به آنان گرسنگی میدهند، اما از آنان میخواهند دندان روی جگر بگذارند، انواع این سختی‌ها و مشقات را تحمل کنند و "دم" برنیاورند. اما کارگران که بسیار بیش از ظرفیت خود، نابسامانی‌ها و وخامت حاصله از نظام موجود را تحمل کرده‌اند، علیرغم همه موانع

و محدودیت‌های موجود، یکدم از اینکه به اشکال و شیوه‌های مختلف به ابراز نارضایتی و اعتراض بپردازند، باز نایستاده‌اند. دهها حرکت اعتراضی کارگری، اعم از اعتصاب و تحصن و برپائی تجمعات اعتراضی تا تظاهرات و راهپیمائی، تماما گواه این حقیقت است. کارگران برای مقابله با سیاست‌های ضد کارگری دولت و در برابر سرمایه‌داران و برلی دست‌یابی به مطالبات خود، راه دیگری جز اتحاد و تشدید مبارزه ندارند. در حرکات اعتراضی کارگری، سوای قرار دادهای دسته‌جمعی، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، پرداخت حقوق‌های معوقه و خواستهای دیگری که به‌ایمنی محیط کار، بهبود وضعیت بهداشت و بیمه‌های درمانی، ادامه کاری واحدهای تولیدی و توقف اخراج‌ها مربوط میشده است، خواست افزایش دستمزدها نیز یکی از خواستهای اصلی کارگران بوده است. اکنون هم افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم یک خواست اصلی کارگران است. دولت اسلامی در اواخر هر سال، بعد از کلی حرافی و این دست و آن دست‌کردن سرانجام با افزایش رقم بسیار ناچیزی بر دستمزدهای اسمی، همواره این خواست کارگران را بی‌پاسخ گذاشته است. کارگران به تجربه دریافته‌اند که "شورای عالی کار" که تصمیم‌گیری در مورد تعیین میزان حداقل دستمزدها برعهده آن گذاشته شده است، شورائی است که برای شیره مالیدن بر سر کارگران درست شده است. این شورا شورائی است که از منافع سرمایه‌داران دفاع میکند. این شورا، شورای عالی کار نیست، شورای عالی سرمایه‌داران است و در نهایت هیچ حرفی جز حرف سرمایه‌داران و دولت آنها ندارد که بزند و تالین رژیم بر سر کار است، روال کار و نقش آن بر همین منوال است.

کارگران بایستی خودآستین‌ها را بالا بزنند و با طرح خواست افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم در کنار سایر خواستهای خود، مبارزه متحد و یکپارچه‌ای را حول این خواست اصلی سازمان دهند و سکوت دولت در این زمینه را بشکنند. اگر بورژوازی و دولت اسلامی عامدانه تلاش دارند تا طبقه کارگر و مطالبات کارگری را به حاشیه برانند یا آنرا تماما به پشت صحنه بفرستند، اگر آنان می‌خواهند از کنار هزار و یک معضلی که خودشان برای کارگران آفریده‌اند، بی‌اعتنا رد شوند، در عوض کارگران مادام که هنوز بساط این نظام ضد کارگری را جارو نکرده‌اند میبایستی با سازماندهی مستقل و گسترش جنبش اعتراضی خویش، سرمایه‌داران و دولت آنها را عقب برانند و خواست‌های خود را به آنان تحمیل کنند. در سازمان‌یابی این رویارویی، بدون شک فعالین جنبش کارگری و کارگران آگاه و پیشرو، نقش و وظیفه بسیار مهمی برعهده دارند. مبارزه متشکل و یکپارچه، ضامن پیروزی کارگران در مبارزه علیه سرمایه‌داران است.

زیر نویس:

۱- یکی از مسئولین اجرائی خانه کارگردان‌های که برای کار و کارگر (۲۱ دیماه ۷۷) نوشته به مشکلات کارگری اشاره نموده و گفته است که مشکلات روز افزون بر کارگران تحمیل میشود و از کارگران می‌خواهند "دم" برنیاورند، "درحالیکه تحمل مشکلات و دم برنیاورن هم حد و مرزی دارد"

گزیده ای از نامه های رسیده

توصیح کوتاهی برستون گزیده‌ای از نامه‌های رسیده

رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند ، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند . عدم تذکر این مسئله ، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد.

تحریریه کار در گزینش نامه ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.

نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هائی از نامه های رسیده و همچنین یادداشت هائی را که از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکند، انتخاب کرده و آنرا بچاپ برساند. درج این مطالب ، لزوماً بمعنی تأیید مواضع نویسندگان نامه یا تشکلهای آنها نیست.

از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه مینویسند درخواست میکنیم نامه خود را اگر تایپ نمیکند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قلبی

کانادا _ رفیق (ی) نامه شما بدستمان رسید . ضمن تشکر از اظهار لطف شما و سپاس از اینکه در صد کک مالی به سازمان برآمده اید ، باطلاعتان میرسانیم که جهت ارسال کک مالی، اگر نخواهید به حساب سازمان واریز کنید، میتوانید کک مالی خود را داخل یک برگه کاغذ به پیچید و از طریق پست و همراه نامه به همان آدرسی که نامه را می فرستید، ارسال نمائید . در ضمن آدرس شما را در اختیار تشکیلات خارج از کشور سازمان قرار دادیم تا نسبت به سایر مسائل مطروحه در نامه ، اقدام مقتضی بعمل آید . پیروز باشید .

بلژیک _ رفقای عزیز ، (ب) و (ف) ، نامه شما همراه یک هزار فرانک بلژیکی بابت آبونه نشریه کار، رسید. همانطور که خواسته اید قبل از پایان مدت آبونه، یقیناً انتشارات سازمان شما را مطلع خواهد کرد . در ضمن از اظهار لطف و احساس مسئولیت شما نسبت به سازمان و اینکه در صد کک مالی به سازمان هستید، صمیمانه تشکر میکنیم و در هر حال امیدواریم هرچه زودتر بتوانید مشکلات خود را در رابطه با مسائل پناهندگی حل و فصل کنید. در ضمن سعی می کنیم هرچه زود ترخواست شما را عملی کنیم.

در خاتمه سلام مارابه تمامی اعضا خانواده ابلاغ کنید. موفق باشید.

سوئد _ نامه ای از یکی از پناهجویان ایرانی از زندان کمپی در فلن سوئد بدستمان رسیده است . این پناهجوی عزیز، در نامه خود به مسئله دریافت پاسخ منفی و سپس دستگیری و زندانی شدن خود توسط پلیس و سرانجام اعتصاب غذا در زندان در اعتراض به این اقدامات و در اعتراض به احتمال بازگرداندن ایشان نموده اند و در ضمن درخواست کمک نموده اند. ما ضمن محکوم کردن اقدامات ضد پناهندگی و غیر انسانی پلیس سوئد و رفتار دولت

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

پیرامون خطر دیپورت بیش از ۶۰۰ پناهجوی ایرانی از هلند

روز ۲۲ ژانویه، کابینه هلند تصمیم گرفت طرح اخراج پناهجویان ایرانی را عملی نماید. وزیر دادگستری هلند، با اتکاء به گزارش وزارت خارجه این کشور از اوضاع ایران، خواستار آن شد که ایران از نظر سیاسی امن اعلام شود تا پناهجویان ایرانی که درخواست پناهندگی شان پذیرفته نمی شود، به ایران بازگردانده شوند. براین اساس، دولت هلند ایران را امن اعلام نمود و افزود که از آنجا که بهائیان، همجنس گرایان و نویسندگان هنوز در ایران مورد آزار قرار دارند، تقاضای پناهندگی این افراد بررسی خواهد شد.

تصمیم دولت هلند مبنی بر دیپورت پناهجویان ایرانی، به تبع سیاست اعمال فشار بر پناهجویان ایرانی از سوی سایر دول اروپایی صورت می گیرد. دولت های اروپایی که برای بستن قراردادهای اقتصادی با جمهوری اسلامی با یکدیگر به رقابت برخاسته اند، جان هزاران پناهجو را که از جهنم جمهوری اسلامی گریخته اند، وجه المصلحه قرار داده اند. دولت هلند در شرایطی، ایران را امن اعلام می کند که موج اعتراض نسبت به تشدید رعب و وحشت در ایران، و کشتار مخالفان سیاسی توسط حکومت اسلامی، بالا گرفته است. طی هفته های اخیر، نهادهای بین المللی، سازمان های مدافع حقوق بشر و حتی پارلمان اروپا، جمهوری اسلامی را به سبب قتل مخالفان سیاسی و سریه نیست کردن معترضین، محکوم نموده اند، اما کابینه هلند ایران را امن اعلام می کند، تا زمینه سفر وزیر بازرگانی و وزیر امور خارجه این کشور به ایران مهیا شود. امن اعلام کردن ایران، بارزترین نشانه مصلحت طلبی دولت های باصلاح متمدن اروپایی است و اثبات می کند که این دولت ها وقتی پای منافع اقتصادی و سیاسی شان در میان باشد، حاضرند بی شرمانه هزاران انسان را قربانی کنند. دولت هلند با اعلام این مساله که تقاضای پناهندگی نویسندگان، بهائیان و همجنس گرایان را بررسی می کند، خواسته است رد تقاضای پناهندگی، و دیپورت هزاران پناهجوی ایرانی را کمرنگ نشان دهد. در حالیکه گروههای نامبرده، تنها درصد ناچیزی از پناهجویان ایرانی را تشکیل می دهند. با ارزیابی دولت هلند، گویا هزاران آزادیخواه مخالف حکومت ایران، فعالان جنبش کارگری، مخالفان حکومت مذهبی و فعالان جنبش زنان، از گزند حکومت در امان هستند و تحت تعقیب و پیگرد دستگاه های سرکوب دولتی و باندهای سیاه وابسته به آن ها قرار ندارند.

از سوی دیگر وزیر کشور بلژیک در یک مصاحبه تلویزیونی از توافق رسوای میان دولت های هلند و بلژیک علیه پناهجویان پرده برداشت. او در این مصاحبه اعلام کرد بر اساس توافق صورت گرفته، دو کشور برای دیپورت پناهجویان از هواپیماهای اجاره ای و درست استفاده خواهند کرد. او گفت این طرح که غیروژه اروپاییه نام گرفته، از اواخر ماه فوریه به اجرا گذاشته خواهد شد. دولت های هلند و بلژیک که از گسترش اعتراضات نسبت به دیپورت پناهجویان نگرانند، قصد دارند پناهجویان را بی سروصدا، مخفیانه، و بدون ایجاد غاخالل در پروازهای عادی هواپیماها اخراج کنند. ما تصمیم شرم آور دولت هلند مبنی بر اعلام ایران به عنوان کشوری امن، و طرح دیپورت پناهجویان ایرانی را شدیداً محکوم می کنیم و از همه آزادیخواهان، مدافعان حقوق بشر، نهادها و سازمان های پناهندگی و سیاسی می خواهیم که به اشکال مختلف، علیه این اقدام اعتراض کنند و نگذارند هزاران پناهجو قربانی منافع اقتصادی انحصارات امپریالیستی و دولت های حامی آنها شوند.

تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۷ ژانویه ۹۹

نکرده و نسبت به فرم آبونه واکنشی نشان نداده اید، لاجرم انتشارات سازمان نیز ارسال نشریه کار را از شماره ۳۱۴ به بعد، متوقف ساخته است .

معهدا درخواست مجدد شما همچنین آدرس جدید شما را در اختیار انتشارات سازمان قرار دادیم تا نسبت به ارسال نشریه و هزینه های مربوطه با شما تماس بگیرند.

* _ جمعی از فعالین سیاسی و زندانیان سیاسی سابق، طی ارسال فاکسی برای سازمان ، از اقدام خویش مبنی بر ایجاد " کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید واحد هلند " سخن گفته و اعلام کرده اند هدفشان از این اقدام، مبارزه متشکل برای احقاق حقوق دمکراتیک و افشای جنایات حکومت ضد بشری اسلامی است.

ما بسهم خود اظهار امیدواری می کنیم که فعالیت و مبارزه این دوستان علیه جمهوری اسلامی و افشای جنایات آن، قرین موفقیت گردد.

سوئیس _ دوست عزیز (ب) _ نامه شما را دریافت کردیم. نشریه کار را به آدرس جدید شما خواهیم فرستاد.

این کشور با پناهندگان سیاسی ، به اطلاع این دوست عزیز میرسانیم که تشکیلات خارج از کشور سازمان ما در رابطه با کار ایشان اقدامات حمایتی معینی را انجام داده و پیگیری نموده است.

آلمان _ دوستان عزیز دست اندرکاران فصل نامه ویژه سرکوب ، اختناق و زندان ، باطلاع شما می رسانیم که شماره دوم "گفتگوهای زندان" (پائیز ۷۷) بدستمان رسید . ضمن تشکر فراوان ، برای شما آرزوی موفقیت داریم. محض اطلاع خوانندگان نشریه کار، گفتگوهای زندان ۲، در ۱۶۰ صفحه شامل مقاله، گزارش زندانیان سیاسی زن ، شعر و . . . انتشار یافته است . این فصل نامه همچنین اسامی ۲۲۵۱ تن از زندانیان سیاسی را که در سال ۶۷ بدست جمهوری اسلامی قتل عام شدند ، بچاپ رسانده است.

آلمان _ رفیق عزیز ، ب ، نامه شما را پیرامون تغییر محل زندگی و آدرس شما دریافت کردیم . همانطور که میدانید، نشریه کار از شماره ۳۰۳ الی ۳۱۳ منظمآ برای شما ارسال شده است ، و سپس فرم آبونه نشریه نیز برایتان فرستاده شده ، از آنجا که شما وجوه نشریات ارسال را پرداخت

و افزود: "در بعضی از کارخانه ها، شرکت ها و واحد های تولیدی و خدماتی پیش از آنکه کارگر بخواهد استخدام شود برگ استعفا چک یا سفته و برگ تسویه حساب از او می گیرند تا به محض آن که اعتراض و انتقادی به مدیریت کارخانه داشته باشد او را اخراج کنند."

۳ هزاراخرایی، ۶ هزاربازخرید! ۱۶ ماه کار بدون مزد،

یک مقام اجرائی خانه کارگر استان گیلان اعلام کرد که کارگران در بعضی از واحدهای تولیدی این استان حتی ۱۶ ماه است که هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند. وی گفت شرکت های پارسان، شیر پاستوریزه گیلان، نازپوش انزلی، ایران جیکا، تن ساز چرم رودبار، چرم گیلان، کفش ببا و چند شرکت دیگر، از ۳ تا ۱۶ ماه حقوق دریافت نکرده اند. نامبرده همچنین اضافه کرد "در سال جاری حدود ۲ تا ۳ هزار کارگر گیلانی اخراج شده اند، ۲۰۰۰ نفر ماهها حقوق دریافت نکرده اند و قریب به ۵ تا ۶ هزار نفر بر اثر مسائل مختلف، مجبور به بازخریدی شده اند" این درحالی است که بگفته وی تعداد کارگرانی که ظرف یک سال جذب کار شده اند، آنهم از طریق قراردادهای موقت ۲ ماهه تا ۶ ماهه از ۷۰۰ نفر هم تجاوز نمی کند.

صدایش در آمده است! خانه کارگر هم

وضعیت معیشتی کارگران روز بروز بدتر میشود. بر مشکلات اقتصادی و فشار کار دائما افزوده می شود. مشکلات کارگران بحدی رسیده است که حتی صدای خانه کارگر هم درآمده است. درنامه ای که یکی از اعضا خانه کارگر کرمان نوشته و آن را برای کمیسیون کار مجلس نیز ارسال نموده است، گوشه ای از مشکلات کارگران کرمان نیز انعکاس یافته است. دراین نامه از جمله آمده است:

"بیش از ۱۷۰ نفر از کارگران خانه سازی کرمان نزدیک به ۹ ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت ننموده اند و تا کنون اقدام موثری صورت پذیرفته است... جامعه کارگران بشدت درمضیق می باشند بخویکه جهت تامین معاش روزانه خود، اقدام به فروش لوازم خانگی حتی فرش و یخچال خود نموده اند. آیا این وضعیت باید همچنان ادامه یابد؟ بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران شرکت کرمانیت بالغ بر سه ماه است که در بلا تکلیفی بسر می برند با توجه به اینکه هیئت تشخیص اداره کار حکم باز گشت بکارآنان را صادرنموده است تاکنون همچنان در بلا تکلیفی بسر میبرند و کارفرما از طریق توسل به افراد و جناحها و مسئولین سعی دارد کارگران را اخراج نماید. در واحد های تحت پوشش شرکت ذغال سنگ کرمان با داشتن بیش از ۴۰۰۰ نفر پرسنل کارگری مشمول قانون کار و همین تعداد کارگر غیر مشمول قانون کار، تبعیضات زیادی وجود دارد، کارفرما علیرغم قول های مساعد جهت رفع مشکلات موجود، متاسفانه تاکنون هیچ اقدام موثری انجام نداده است... شرکت خدماتی همچنان به تضييع حقوق کارگران ادامه می دهد با تمديد قراردادهای کوتاه مدت، حتی حداقل های قانونی را نمی پذیرند. البته بدلیل بیکاری زیاد، کارگران مجبورند روزانه بیش از ۱۲ ساعت کاروکتر از حداقل حقوق دریافت نمایند و جرات مراجعه به مراجع قانونی را هم ندارند"

اخباری از ایران

و عدم پرداخت حقوق کارگران، کارگران این کارخانه نیز تجمعات اعتراضی وسیع و متعددی را سازمان داده اند. کارگران در اجتماع دوهزارنفره خود در اوائل دیماه، بار دیگر خواهان رسیدگی به مشکلات خود شده و خواستار حقوقهای معوقه مهر، آبان و آذر شده اند.

تجمع اعتراضی کارگران نساجی سمنان

جمع زیادی از کارگران نساجی سمنان، با برپائی یک تجمع اعتراضی در مقابل کارخانه، خواستار مطالبات خود شدند. این کارگران معترض که همگی آنها قبلا "توسط کارفرما اخراج شده بودند، در پایان مهلت سه ماهه ای که به مدیران جهت دریافت مطالباتشان داده بودند و بعد از سرباز زدن مدیریت از عمل به تعهدات خویش، به این حرکت اعتراضی دست زده و مجددا "خواستار طلب های خود شدند.

نامه اعتراضی کارگران کیمیدارو

کارگران شرکت کیمیدارو با ارسال یک نامه اعتراضی به مطبوعات، خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل شدند. کارگران در نامه اعتراضی خود از جمله نوشته اند "با گذشت چندین سال از صدور دستورالعمل مبنی بر انجام طرح طبقه بندی مشاغل ما کارگران کیمیدارو همچنان منتظر اجرای این طرح می باشیم!"

هشت هزار کارگر در معرض بیکاری

معاون صنایع نساجی الیاف طبیعی سازمان صنایع و معاون بنیاد مستضعفان اعلام کرد از مجموع ۱۹ واحد تولیدی تحت پوشش این بنیاد در بخش نساجی و الیاف طبیعی، ۸ واحد در حالت بحران کامل بسر می برند که اگر تدابیری اتخاذ نگردد در سال آینده دچار رکود کامل می شوند. وی اضافه کرد که با تعطیلی این واحدها، بیش از ۸ هزار تن از کارگران شاغل بیکار می شوند. واحد هائی که در معرض تعطیلی قرار دارند عبارتند از چیت ری، سیمین و بارش اصفهان، قرقه زیبا، کفش شادانپور، سلک باف یزد، کرک کاشان و حوله لاله.

۴۰۰ کارگر اخراجی و زور گوئی سرمایه داران

رئیس هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران اخیرا "در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ حدود ۴۰۰ هزار کارگر از کار اخراج شده اند. وی همچنین گفت که درهفت ماه اول سال جاری تنها در تهران ۱۵۸۲۳ کارگر اخراج شده اند. نامبرده که خود از عاملین دولت و سرمایه داران است و وظیفه اش ایجاد مانع برسر راه مبارزه کارگران می باشد، در این مصاحبه اشاره ای هم به زور گوئی های سرمایه داران و فقدان هرگونه امنیت شغلی نمود

اعتصاب و تحصن کارگران اداره راه

کارگران و کارکنان اداره کل راه قدس مهاباد، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایای خود، از حضوردر محل کارخویش خودداری کرده و درمحل مسجد این اداره، دست به تحصن زدند. شایان ذکر است که حدود ۲۲۵ نفر کارگران و کارکنان این اداره، بیشتر از ۴ ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. طبق گزارش روزنامه کار و کارگر، مسئولین اداره فوق، در نظر دارند بیش از ۲۰۰ تن از کارگران و کارکنان را اخراج کنند.

تجمع اعتراضی کارگران ایران پرتو

احتمال تعطیلی کارخانه ایران پرتو شیراز که خبر آن از چند ماه پیش در میان کارگران پیچیده بود سرانجام به واقعیت پیوست و بیش از یکصد تن از کارگران این کارخانه بیکارو بلا تکلیف شدند. بعد از آنکه مسئولین کارخانه تعداد زیادی از ماشین آلات این کارخانه را شبانه (سه شنبه شب) خارج کردند، صبح روز چهارشنبه دوم دی ماه، کارگران این کارخانه با برپائی تجمع اعتراضی در برابر ساختمان اداره کل کار فارس، نسبت باین موضوع اعتراض کرده و درضمن خواستار پرداخت حقوقهای عقب افتاده خود شدند. قابل ذکر است که از دو کارخانه وابسته به بنیاد مستضعفان است که از دو ماه قبل از این حرکت کارگری، کارفرما، حقوق و مزایای کارگران را بلوکه کرده و نپرداخته بود.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت آرامش

روز یکشنبه ششم دیماه، جمع زیادی از کارگران شرکت آرامش یزد، با برپائی یک تجمع اعتراضی در برابر ساختمان استانداری خواهان دریافت حقوق های معوقه خود شدند. شایان ذکر است که مدیریت این شرکت از چند ماه پیش مزایای کارگران را بکلی قطع کرده است و با به تعویق افکندن پرداخت حقوق کارگران و تشدید فشار بر آنها، در صدد اخراج کارگران قدیمی و بکار گیری کارگران جدید در قالب قرار دادهای موقت است. کارگران این شرکت که بیش از ۵ ماه است هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند، با برپائی این اجتماع خواستار حقوق های عقب افتاده خود شدند. بعد از آنکه ظاهرا "قول های مساعدی در زمینه پی گیری مشکلات به کارگران داده می شود، کارگران نیز به اجتماع اعتراضی خود پایان می دهند.

تجمع اعتراضی کارگران جهان کار

روز ششم دیماه، مدیریت شرکت جهان کار مشهد، تعطیلی این واحد تولیدی را اعلام کرد. این مسئله که بیکاری و بلا تکلیفی بیش از یکصد کارگر این کارخانه را در پی داشت، اعتراض کارگران را برانگیخت. کارگران با برپائی تجمع درخانه کارگر خراسان، نسبت به این اقدام ضد کارگری مدیریت اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

تجمع اعتراضی کارگران جهان چیت

دو هزارتن از کارگران جهان چیت، باردیگر دست به اعتراض زدند. در پی اعلام تعطیلی این کارخانه

تحصن و تظاهرات

گسترده ضد رژیم در سوئد

دراعتراض به قتلها وجنایات اخیر جمهوری اسلامی، تحصن از سوی "کمیته مبارزه با کشتارهای سیاسی در ایران" در یکی از دفاتر "حزب چپ" واقع در شهر استکهلم سوئد برگزار گردید. شرکت کنندگان در این تحصن، ضمن محکوم کردن اقدامات جنایت کارانه رژیم، از جمله خواستار اعزام یک هیئت بین المللی برای رسیدگی به قتل فعالین سیاسی و نویسندگان، اعلام ایران بعنوان یک کشور ناامن، آزادی زندانیان سیاسی در ایران، محکوم کردن جمهوری اسلامی در یک دادگاه بین المللی شدند.

شایان ذکر است، که این تحصن که بیش از یک ماه بطول انجامید، مورد حمایت دهها سازمان سیاسی و تشکل های دموکراتیک سوئدی و ایرانی از جمله فعالین سازمان ما در سوئد قرار گرفت. در خاتمه این تحصن، "کمیته برگزار کننده تظاهرات" تظاهرات گسترده ای را روز ۱۶ ژانویه سازماندهی و برگزار نمود که نزدیک به ۸۰۰ نفر در آن شرکت کردند. تظاهر کنندگان ابتدا در برابر پارلمان سوئد تجمع کردند. در ساعت ۲ بعد از ظهر، بعد از سخنرانی چند تن از نمایندگان مجلس سوئد از حزب چپ و محیط زیست، پیام های نمایندگان احزاب چپ و مترقی سوئد و ایرانی از جمله پیام تشکیلات خارج کشور سازمان قرائت گردید. آنگاه راهپیمائی بسوی میدان مرکزی شهر استکهلم و اجرای شعارهایی علیه کشتارهای اخیر و جمهوری اسلامی آغاز گردید. سرانجام بعد از قرائت یک قطعنامه ۶ ماده ای، در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر این تظاهرات گسترده خاتمه یافت.

تظاهر کنندگان در انتهای اطلاعیه پایانی تظاهرات خود تاکید کردند که "با تظاهرات امروز، اعتراض و مبارزه علیه جمهوری اسلامی پایان نخواهد یافت تا جمهوری اسلامی پابرجاست، سرکوب مبارزات و خواست های کارگران و زحمتکشان، زنان، روشنفکران و هر مخالف سیاسی ادامه خواهد داشت، مبارزه مادامی که ما به اشکال گوناگون تا سرنگونی این رژیم ادامه خواهد یافت."

پیام تشکیلات

خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

رفقا و دوستان گرامی

امروز گردهم آمده ایم تا علیه سرکوب و اختناق حاکم بر ایران اعتراض کنیم، خشم و نفرتمان را از ترور و جنایت سازمان یافته دولتی علیه روشنفکران و فعالان سیاسی بیان کنیم و اعلام نمائیم که تا پیروزی قطعی مبارزه کارگران و زحمتکشان و روشنفکران در راه کسب آزادی و دموکراسی، از پای نخواهیم نشست.

گردهمایی امروز یکی از گردهم آئی های متعدد هفته های اخیر است که در حمایت از مبارزه آزادیخواهانه جاری در ایران، حکومت اسلامی را در منگنه قرار داده است. ترورهای جنایتکارانه اخیر، دستگیریه و تهدید روشنفکران و مخالفان سیاسی با این هدف صورت گرفت که جو رعب و وحشت را بر جامعه حاکم نماید، اما نتیجه ای عکس به بار آورد، اعتراضات در داخل و خارج ایران تشدید شد. گسترش اعتراضات، حکومت اسلامی و باندهای درونی آن را به وضعیتی دچار ساخته است که هر تلاش آنها برای غلبه بر اوضاع ناکام می ماند، و باز تضادها در نقطه دیگری سرباز می کنند. سردرگمی و تناقضات هیات حاکمه در پاسخگویی به مساله ترورها، انعکاس آشکار رشد اعتراضات توده ای علیه سرکوب و اختناق و وحشیگری های حکومت اسلامی است. وقایع چند هفته اخیر نشان داد که رژیم دیگر نمی تواند مبارزه آزادیخواهانه جاری در ایران را با تشدید سرکوب مختل نماید. مبارزه برای آزادی بیان، آزادی اجتماعات و تشکل گسترش می یابد. به این مبارزه برحق و عادلانه دامن بزنیم، فریاد رسای آزادی و دموکراسی باشیم و هم آوا با هزاران هزار گلوی سرخ بخوانیم:

آزادی

ای تحول خونین

ای انقلاب دور

و نزدیک.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۳ ژانویه ۹۹

اعتراض به دیدار

کمال خرازی از فرانسه

"روز ۳ فوریه ۱۹۹۹ تجمع اعتراضی که دو روز قبل از آن توسط انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران و واحدهای فرانسه حزب دمکرات کردستان ایران، حزب کار ایران _ سازمان کارگران مبارز ایران (طوفان)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان فدائیان (اقلیت)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران فراخوانده شده بود با شرکت بیش از ۱۵۰ تن از ایرانیان مبارز در نزدیکی سفارت جمهوری اسلامی، در اعتراض به حضور کمال خرازی، وزیر امور خارجه رژیم که برای مذاکره با دولت فرانسه در جهت گسترش روابط و تدارک سفر محمد خاتمی به پاریس آمده بود برپا شد.

شعارمحوری این تظاهرات که بر یک باندرول بزبان فرانسوی هم نوشته شده بود مخالفت با سفر محمد خاتمی به فرانسه به عنوان نماد رژیم جمهوری اسلامی بود. جمعیت حاضر به زبان فرانسوی و فارسی در دو ساعتی که این حرکت طول کشید شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "به خاتمی برای آمدن به فرانسه ویزا ندهید"، "به کشتار نویسندگان در ایران پایان دهید"، "جمهوری اسلامی قاتل و تروریست است"، "زندانیان سیاسی را آزاد کنید" و "تریبونال بین المللی برای سران جمهوری اسلامی" بود. ضمناً با توجه به اینکه حرکت در نزدیکی سفارت رژیم برگزار می شد جمعیت پرشور فریاد می زد: "آنان دیپلمات نیستند، تروریست هستند".

برگزارکنندگان تظاهرات پس از قرائت قطعنامه این حرکت که در آن "با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی مشخص ایران، لغو مسافرت آقای خاتمی به فرانسه و محکومیت سیاست مماشات با دولت او" مطرح شده، همگان را به اعتراضات وسیع تر در سطح فرانسه و اروپا علیه سفر رئیس جمهور اسلامی به این کشور دعوت کردند."

درس های انقلاب

سرنگونی رژیم شاه مجددا قدرت در دست ضد انقلاب قرار گرفت و ارتجاع اسلامی و طبقاتی یعنی بورژوازی، متحدان انقلاب را سرکوب کردند. اکنون توده های مردم، کارگران و زحمتکشان دریافته اند که نمی بایستی به خمینی و وعده و وعیدهای او اعتماد کنند. این درس مهمی برای کارگران و زحمتکشان ایران است که دیگر به کسی جز خودشان و نیروی خود شان اعتماد نکنند. نیروئی که انقلاب می کند و تمام بار انقلاب را بردوش می کشد، خود باید قدرت سیاسی را نیز بدست بگیرد، دستگاه دولتی طبقات ستمگر و ارتجاعی را درهم بشکند، از طریق شورا هائی که در حین انقلاب شکل می گیرند به اعمال حاکمیت بپردازد و انقلاب را به فرجام پیروزمندش برساند. این نیرو کسی جز کارگران و زحمتکشان ایران نیست.

تنها چیزی از انقلاب باقی نمانده بلکه اوضاع به مراتب وخیم تر و اسف بار تر از دوران قبل از انقلاب شده است. اما چرا چنین شد و انقلاب با شکست روبرو گردید؟

پیروزی هر انقلاب مقدم بر هر چیز مشروط به این است که نیروی انقلاب، قدرت سیاسی را بدست آورد. این نیروی انقلاب در ایران کارگران و زحمتکشانند. اما در مقطع انقلاب، در نتیجه سالها اختناق و سرکوب رژیم شاه که مانع از تشکل و آگاهی کارگران و زحمتکشان شده بود، آنها در موقعیتی نبودند که خود قدرت سیاسی را بدست بگیرند، اغلب کارگران همانند دیگر توده های وسیع مردم، از روی ناآگاهی به خمینی مرتجع و وعده و وعیدهای او اعتماد کردند، لذا او خود را در راس جنبش قرار داد و با

پیروی خود ادامه می داد. تازه پس از قیام بود که از دل کمیته های اعتصاب شوراهای کارخانه ها در سطح وسیعی شکل گرفتند. سربازان و پرسنل انقلابی نیروهای مسلح، شوراهای سربازان را ایجاد نمودند و دهقانان نیز به تشکیل شورا دست زدند. اما این اقدامات آخرین مراحل پیشروی انقلاب بود. ضد انقلاب که قدرت سیاسی را به چنگ آورده بود، نخستین تلاش خود را برای بازسازی ماشین دولتی، سروسامان دادن به نیروهای مسلح از هم گسیخته آغاز کرد و فرمان خلع سلاح مردم را صادر نمود. با یکرشته تعرضات پی در پی دست آوردهائی را که مردم در جریان انقلاب بدست آورده بودند از آنها باز پس گرفت و تعرض قطعی را در سال ۶۰ برای سرکوب و قلع و قمع مخالفین و برچیدن هرگونه آزادی و اعتراض سازمان داد. مردم هنگامی به خود آمدند که دیدند چیزی از انقلاب باقی نمانده است و نه



اعتصاب پیروزمند معدنچیان در رومانی

از روز ۴ ژانویه قریب به ۱۵ هزار نفر از معدنچیان منطقه Jiu واقع در جنوب غربی رومانی با خواست افزایش دستمزد به میزان ۲۵ درصد و اعتراض به تعطیل دو معدن ذغال سنگ، دست به اعتصاب نامحدود زدند. همزمان با اعتصاب فوق، صدها نفر از معدنچیان در میدان مرکزی شهر Petrodan تجمع نموده و به طرح مطالبات خود پرداختند. از مهمترین مطالبات کارگران، توقف فوری واگذاری بیش از ۱۴۰ معدن در رومانی به بخش خصوصی، توقف تعطیل معادن، برکناری وزیر صنایع و مذاکره با نخست وزیر این کشور بود.

طی سالهای اخیر، معدنچیان رومانی با مبارزات متحد خود توانسته اند از تنزل سطح دستمزدهای خود جلوگیری کنند. در حالی که سرمایه داران حملات گسترده ای جهت باز پس گرفتن دست آوردهای مبارزاتی کارگران را سازمان داده اند، اما قادر نشده اند مبارزه وسیع و متحد معدنچیان را سرکوب نمایند. هم اکنون دستمزد معدنچیان دو برابر دستمزد سایر کارگران بخش های تولیدی است. این امر از یکسو بواسطه شرایط دشوار و سخت کار در معادن است و از سوی دیگر مقاومت یکپارچه ای است که معدنچیان طی دهسال گذشته به نمایش گذارده اند. نتیجه این مبارزات، عقب

نشینی دولت سرمایه داران بوده است. حرکت متحد و متشکل معدنچیان که از اوائل ژانویه سال جاری آغاز گشت، به شدت گسترش یافت. علیرغم تهدیدات دولت و پلیس ضد شورش، اعتصابیون بمقابله با سیاستهای دولت و صندوق بین المللی پول برخاستند. طی سالهای اخیر، صندوق بین المللی پول مکررا از دولت این کشور خواسته است تا به تعطیل معادن "کم بار آور" اقدام نماید. این بخشی از سیاستهای این نهاد است که درصدد است تعداد وسیعی از معادن در اروپای شرقی را تعطیل نماید. دولت رومانی، سیاستهای دیکته شده صندوق بین المللی پول را در آخرین روزهای سال گذشته به مورد اجرا در آورد و دو معدن ذغال سنگ در منطقه Jiu را تعطیل نمود که در نتیجه آن بیش از ۲ هزار کارگر اخراج شدند. در اعتراض به این اقدام دولت، کارگران اعتصاب خود را آغاز نموده و اعلام کردند تا تحقق مطالبات شان، از پای نخواهند نشست.

در سومین هفته اعتصاب، معدنچیان در صفوف منظم به سوی پایتخت دست به راهپیمایی زدند. بیش از ۱۵ هزار معدنچی در حالی که به بخارست نزدیک میشدند، مورد حمله پلیس و نیروهای ضد شورش قرار گرفتند. ارتش رومانی با اعزام تانک و هلی کوپتر، از زمین و هوا، راهپیمایان را به گلوله بست. اما این اقدامات وحشیانه نیز خلی در عزم راسخ اعتصابیون وارد نیامورد و آنان همچنان به حرکت خود ادامه دادند. در پی گسترش مبارزات معدنچیان، روز ۱۶ ژانویه وزیر کشور رومانی از کار برکنار شد و دولت این کشور وادار به عقب نشینی گشت. حرکت یکپارچه و وسیع معدنچیان رومانی موجب شد که دو معدن تعطیل شده، باز گشائی شوند. خواست دیگر کارگران مبنی بر ۳۵ درصد اضافه دستمزد نیز به نشست های آتی فی ما بین موکول گشت. سرانجام روز ۱۹ ژانویه اعتصابیون، پیروزمندانه اعتصاب را پایان دادند.

افزایش تعداد بیکاران در آلمان

روند بیکاری در آلمان همچنان سیر صعودی طی میکند. طی ماه دسامبر گذشته، بیش از ۲۵۰ هزار نفر به بیکاران این کشور افزوده شده و رقم کل بیکاران به ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تن بالغ گشته است. نرخ بیکاری در آلمان در حال حاضر ۱۱ درصد می باشد. این در حالی است که دولت آلمان وعده داده است که تا سال ۲۰۰۱ تعداد بیکاران را به ۳ میلیون نفر کاهش دهد.

اشغال کارخانه توسط کارگران اخراجی در برزیل

روز ۴ ژانویه، قریب به ۳ هزار تن از کارگران یکی از کارخانه های کمپانی اتومبیل سازی فورد در شهر ساووپولودر برزیل، ساختمان کارخانه را به اشغال خود در آوردند. این حرکت در اعتراض به اخراج هزاران تن از کارگران کارخانجات فورد در ماه دسامبر سال گذشته انجام گرفت. کارخانه فورد در آخرین روزهای سال ۹۸ به بهانه "تقویت قدرت رقابت" هزاران تن از کارگران چندین کارخانه فورد در برزیل را اخراج نمود.

اعتصابات کارگران راه آهن مجارستان

با ادامه مخالفت مقامات راه آهن دولتی مجارستان با خواست بیش از ۱۵ هزار نفر از کارگران راه آهن، روز ۴ ژانویه به دعوت اتحادیه آزاد کارگران، برای چندمین بار کارگران راه آهن دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. خواست اعتصابیون ۲۱ درصد اضافه دستمزد می باشد. لازم به ذکر است که در روزهای ۲۱ و ۲۲ دسامبر سال قبل نیز، کارگران دست به اعتصاب زده بودند.

دولت مجارستان به منظور تضعیف اتحاد مبارزاتی کارگران، تنها با افزایش دستمزدهای بخشی از کارگران راه آهن موافقت نمود. اما اعتصابیون برغم این سیاست تفرقه افکنانه دولت، به اعتصاب خود ادامه دادند.

اتحادیه بین المللی کارگران حمل و نقل (ITW) ضمن افشای سیاست های تفرقه افکنانه دولت مجارستان از خواست اعتصابیون حمایت به عمل آورد و از کلیه اتحادیه های کارگری جهان خواست تا همبستگی خود را با کارگران اعتصابی اعلام نمایند. حرکت یکپارچه اعتصابیون سرانجام دولت را به عقب نشینی واداشت.

اعتصاب معدنچیان آفریقای جنوبی

معدنچیان منطقه Lebowa در آفریقای جنوبی، روز ۲۰ دسامبر به منظور بهبود شرایط کار و توقف خصوصی سازی معادن پلاتین دست به اعتصاب زدند. در همبستگی با این حرکت، معدنچیان منطقه Rutenburg نیز با خواست افزایش دستمزد، دست از کار کشیدند.



زنده باد سوسیالیسم

گورستانی که این انقلابیون به خاک سپرده شده اند، حرکت کردند. در جریان این مراسم پلیس به صفوف تظاهر کنندگان یورش برد و دهها تن را مجروح کرد.

هشدار فلزکاران آلمان به دولت

قریب به ۲۲۰ هزار تن از کارگران صنایع فلزات آلمانی با برپائی یک اعتصاب یک روزه به دولت آلمان هشدار دادند تا با خواست آنان مبنی بر ۶/۵ درصد اضافه دستمزد موافقت نماید. در غیر این صورت اتحادیه (ای.ک.م.تال) با داشتن ۳/۴ میلیون عضو دست به اعتصابات وسیع و گسترده ای در اواخر ماه فوریه خواهد زد.

کارفرمایان در مقابل خواست کارگران، طرح ۲ در صد اضافه دستمزد را عنوان کرده اند. این امر موجب اعتراضات وسیع کارگران شد و آنان با اعتصابات خود به دولت اولتیماتوم دادند. در اعتصاب فوق که روز ۲۹ ژانویه برپا شد کارگران اتومبیل سازی کرایسلر، ب.ام.و، پورشه و فورد شرکت نمودند.

ظرف ۲ سال آینده ۱۱ هزار نفر از مجموع ۱۰۴ هزار شاغل این کارخانه را اخراج خواهد نمود. کنسرن روسی گاز Gazprom طی سال جاری ۳۵ کارگر را بیکار میکند و در مجموع ۱۰ در صد از نیروی شاغل خود را ظرف چند ماه اخراج خواهد نمود.

دراندونزی، کارخانه سازنده هواپیما در این کشور موسوم به IPTN اعلام نمود طی سال جاری ۶۰۰۰ کارگر را اخراج می کند.

گرامی داشت یاد روز الوکزامبورگ و کارل لیبنگخت

روز ۱۰ ژانویه به مناسبت هشتادمین سالروز ترور روز الوکزامبورگ و کارل لیبنگخت، بیش از ۱۰۰ هزار نفر در یکی از میدانی شرق برلین _ که محل کشف اجساد این دو انقلابی بزرگ است _ گرد آمده و با نثار هزاران شاخه گل یاد آنان را گرامی داشتند. شرکت کنندگان سپس ضمن راهپیمائی به سمت

اعتصاب معدنچیان دراوکرانین

از اواخر دسامبر، بیش از ۴۰ هزار نفر از معدنچیان اوکرائین دست به یک اعتصاب نا محدود زدند. از جمله خواستههای اعتصابیون، پرداخت دستمزدهای معوقه می باشد، معدنچیان اعتصابی قریب به یک سال است که دستمزدی دریافت نکرده اند. گرسنگی، فقر و فقدان حد اقل امکانات رفاهی موجب گشت که یکی از معدنچیان خود را به آتش بکشد.

اعتراض کارگران در اسپانیا به افزایش مالیات ها

به دعوت اتحادیه های سراسری کارگران اسپانیا (C.C.O.O, UGT)، روز ۳ دسامبر بیش از ۱۰۰ هزار کارگر دست از کار کشیدند. در این روز کارگران خشمگین در بیش از ۵۰ شهر راهپیمائی نموده و خواستار ۳۵ ساعت کار در هفته بدون کسر دستمزد، افزایش حق بیکاری و کاهش مالیات اقشار کم درآمد شدند. دولت اسپانیا در حالی که این کشور بالاترین رقم بیکاری در میان کشورهای اروپائی را داراست، تصمیم دارد که به بهانه مبارزه با بیکاری، مالیات اقشار پردرآمد را کاهش داده و کارگران و زحمتکشان این کشور را وادار نماید که سهم بیشتری از دستمزد ناچیز خود را به صندوق مالیات دولت سرمایه داران بپردازد.

اعتراضات کارگران ودانشجویان در پاناما

روز ۳ دسامبر، بیش از ۱۰ هزار کارگر و دانشجوی خشمگین در اعتراض به خصوصی سازی خدمات آب رسانی شهری، در خیابانهای پاناما سیتی دست به اعتراض زدند. در این روز کارگران بخشی از ساختمان پارلمان را اشغال نمودند. پلیس با شلیک گلوله و گاز اشک آور به سرکوب تظاهر کنندگان پرداخت. حرکات اعتراضی کارگران و دانشجویان در روزهای بعد نیز ادامه یافت و در روز ۶ دسامبر، دانشگاه دولتی پاناما به اشغال نیروهای سرکوبگر پلیس در آمد. در اثر یورش سرکوبگران، صدها دانشجو زخمی شدند. در اعتراض به این اقدامات وحشیانه، هزاران کارگر اعتصابی، به راهپیمائی و تظاهرات در شهرهای پاناماسیتی و سانتیاگو پرداختند و خواستار خروج نیروهای پلیس از محوطه دانشگاه شدند.

اعتصاب کارگران راه آهن در رومانی

روز ۲۱ دسامبر، متروهای شهری و قطارهای مسافربری در سراسر رومانی از حرکت ایستادند. هزاران کارگر راه آهن در این روز با خواست پادشاه سال نو و افزایش دستمزدها، دست از کار کشیدند.

دهها هزار کارگر درآستانه اخراج

اخراج کارگران در اروپا همچون سایر نقاط جهان ادامه دارد. کارخانه سوئی اریکسون اعلام داشت



جمهوری اسلامی را باید

با اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه سرنگون کرد

مردم مبارز ایران !

ادامه حیات جمهوری اسلامی نتیجه ای جز تشدید فقر، بدبختی، اختناق و بی حقوقی نداشته و ندارد.

برای رهایی از شر تمام مصائب و فجایعی که این رژیم به بار آورده است، راه دیگری جز سرنگونی آن وجود ندارد.

تجربه انقلاب علیه رژیم شاه نشان داد که سرنگونی حکومت از طریق برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه امکان پذیر است.

برای برپائی اعتصاب عمومی سیاسی، کمیته های کارخانه و کمیته های اعتصاب را در هر کارخانه و مؤسسه ایجاد کنید.

سازمان فدائیان (اقلیت)

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

تسلیمه نسرين سخن می گوید

متن زیر، ترجمه و خلاصه نوشته ای است از تسلیمه نسرين که در سپتامبر ۹۸ در بنگلادش بتحریر درآمده است:

"من نه فیلسوف، نه مورخ و نه حتی نویسنده خوبی هستم. من تنها یک نویسنده معمولی ام. نویسنده ای که مورد تهدید اسلامگرایان افراطی قرار گرفته است. آنها فتوایی علیه من صادر نمودند و برای سرم جایزه تعیین کردند. حتی امروز با گذشت سالها، نام مرا برای تحریک عده ای به کار میبرند. بنابه ادعای دولت بنگلادش من یک مجرم ام. کتاب من ممنوع شده و حکم بازداشت من نیز صادر گشته است. از همپنرو من به اجبار به زندگی زیرزمینی رو آورده ام. ابتدا به همت دوستان و آشنایان به مدت ۶۰ روز مخفی بودم. اما پس از فشارهای بین المللی، دولت بنگلادش مجبور شد اجازه خروج من را صادر کند اما آینده من همچنان ناروشن و نامطمئن است.

گرچه سالهاست که از کشورم و مردم ام دور شده ام، اما همچنان بر اعتقادتم مصرم. من به هیچ مذهبی اعتقاد ندارم. من به باورم به انسان دوستی ادامه خواهم داد. هیچ خدائی را پرستش نمی کنم تا مرا از شر مصائب دور بدارد. من هنوز به خود _ به عنوان انسان _ بار دارم و قطعاً به شما اطمینان میدهم که به مبارزه ایدئولوژیک با بنیادگرایی مذهبی ادامه خواهم داد.

من یک آنتیست هستم. گرچه متخصص مسائل مذهبی نیستم. اما در اثر تجربه در زندگیم به یک آنتیست تبدیل شده ام. من در یک خانواده مسلمان متولد شدم. در دوران نوجوانی در دور و بر خود اثرات مستقیم جنگ بین هندوها و مسلمانان را دیده و تجربه کرده ام. خشونت و بربریتی که مذاهب علیه مردم براه انداخته اند را لمس کرده ام. هنگامی که به تحصیل علوم پرداختم و عظمت و شکوه تجربه و آزمایش تحلیل و منطق را فراگرفتم، آموختم که هیچ چیز را نباید بدون چون و چرا پذیرفت. حتی اگر "قدرت آسمانی" بر آن اصرار داشته باشد.

طبیعی است که نمی توانم هر تئوری فرضیه ای را بدون سوال و تحقیق و تحلیل بپذیرم. آنگاه شروع به مطالعه قرآن کردم. باشکفتی تمام در قرآن خواندم که: "خورشید به دور زمین میچرخد". این یک نمونه از بی منطقی محض است. قرآن همچنین تبعیض نسبت به زنان را می آموزد. زنان را به یک موضوع جنسی تنزل میدهد و آنان را برده قلمداد می کند. طبیعی است که با این تفاسیل باید قرآن را کنار بگذارم. و گذاشتم. ضمناً ناگفته نماند که هرگاه به مطالعه نقش مذهب پرداختم، نقش اش را ستمگرانه یافته ام. تصمیم گرفتم به مبارزه بلندشوم. قلم ام را بدست گرفتم تا علیه ظلم، ستم و بی

مبدل میشوند و در پیگرد، بازداشت و اسارت نویسندگان و مخالفین شریک میشوند.

در غرب، برخی از نویسندگان به حمایت شرمگین از بنیادگرایان برخاسته اند. آنها چنین ادعا میکنند که تمامی رسوم و آداب در کشورهای جهان سوم برای زنان چندان مضر و منفی هم نیستند. آنها به وجود ثبات و صلح اجتماعی در جهان شرق اشاره می کنند. آنها حتی میگویند که وجود حرم سرا الزاماً بد نیست زیرا بدرجاتی موجب استقلال زنان میشود. من با عرض معذرت، این اظهارات را پرت و پلائی محض میدانم. هیچگونه اختلافی نباید در مضمون حقوق بشر در شرق و غرب باشد. اگر چادر برای زنان غربی بد است برای خواهران شرقی هم بد است. اگر بایده در غرب علیه پدرسالاری مبارزه شود، باید در شرق نیز چنین باشد. در واقع ضرورت مبارزه علیه پدرسالاری در شرق مبرم تر و حیاتی تر است چرا که بخش عظیمی از زنان در آنجا فاقد تحصیلات و استقلال اقتصادی نیز هستند. اگر تحصیلات و پیشرفت برای زنان غربی خوب است چرا باید زنان شرقی از آن محروم باشند. صلحی که برخی نویسندگان غربی از وضعیت زنان در شرق به تصویر میکشند، صلح واقعی نیست، صلح گورستان است. مساله این است که مبارزه با بنیادگرایی، مبارزه ای است مداوم و سازش ناپذیر. این مبارزه هم تئوریک است و هم عملی.

دمکراسی و سکولاریسم باید در عمل به موازات هم پیش روند نه اینکه در حد حرف و شعار باقی بماند. بنیادگرایی انسان را از مسیر تحول، آگاهی و اشراف به حقوق فردی خود منحرف میکند. بنیادگرایی بهیچ وجه قابل قبول نیست چرا که آنها بر الهی بودن و نهائی بودن قوانین پافشاری می کنند. آنها به قضا و قدر و سرنوشت معتقدند، حقوق فردی را به رسمیت نمی شناسند.

آنها تنها به دیکته کردن "سرنوشت" مردم مشغولند و بس. آنها به آزادی فردی و آزادی انتخاب و آزادی فکر و اندیشه اعتقادی ندارند. آنها خود را یگانه نیروی مجاز و مشروع و معتقد میدانند. زبان آنها زبان تنفر، خشم، کینه، خشونت و جنایت است. آنها به ادعای خودشان با نیروی نظامی و توپ و تفنگ به پاسداری از "روح و نفس" میپردازند.

آیا یک انسان دوست، یک فردگرامکن است که این ستم و وحشتناک را بپذیرد؟ مبارزه بین جهل و خرافه با روشنگری، بین قضا و قدر با منطق اجتناب ناپذیر است. این مبارزه باید در تمامی عرصه ها: ایدئولوژیک، آموزشی، سیاسی، فرهنگی و در عرصه زندگی روزمره جریان و تداوم یابد.

منطقی مبارزه کنم. علیه جنایات مذهب نوشتیم. خصوصاً ظلم و ستم علیه زنان را تشریح کردم. این به چه منجر شد؟ همانطور که در بالا گفتم، دولت مرا مجبور به ترک دوستان، آشنایان، اقوام، مردم و کشورم کرده است.

اما من به دلایل دیگری نیز ضد مذهب هستم. از جمله این که مذهب هیچگاه به مردم عشق و محبت نیاموخته و تنها به آنان کینه و نفرت می آموزد. کینه و خشم و نفرت علیه سایر مذاهب. مذاهب مردم را به دست قضا و قدر و "سرنوشت" می سپارند. اعتماد به نفس را از مردم میگیرند و قدرت تصمیم گیری را از مردم سلب میکنند. مذاهب مردم را به پرستش فقر و روایتار در این دنیا تشویق میکنند.

البته همواره در همه جا، دانشمندان و متفکرین علیه مذاهب به مبارزه برخاسته اند. با طرح سوال و حمله به بنیاد خرافی مذاهب در جامعه علیه فریب و نیرنگ مذاهب فریاد برآورده اند. اما "علماء" و کشیش ها به نابود کردن آثار علمی این عده کمر بسته اند تا اثری از آنان و ایده های علمی وضد خرافی آنان باقی نماند و خود به پراکندن خرافات و جهل ادامه دهند.

امروز مایه همان مبارزه علیه جهل و بی منطقی ادامه میدهم. ظهور مجدد بنیادگرایی در گوشه و کنار جهان مبین مبارزه عاجل علیه خرافه و خرافه پرستی است. اسلامی که مغلوب علم و تمدن شده در جستجوی "ریشه" خود است. البته عامل ترس نیز در این جستجو نقش مهمی ایفا میکند. البته مسئولیت قد علم کردن بنیادگرایی را تنها نباید برگردن به اصطلاح رهبران سکولار کشورهای سابقاً مستعمره گذارد که در صددند، برای حفظ منافع خود تحت لوای بنیادگرایی، عرض اندامی کنند. مسئولیت اصلی بردوش دولتهای دمکراتیک و سکولار کشورهای توسعه یافته است. این، آنها هستند که قرارداد سازش با بنیادگرایان را امضا کرده اند. ما خود شاهد بوده ایم که چگونه با اصطلاح احزاب سیاسی سکولار در بنگلادش از احساسات مذهبی مردم سو استفاده کردند تا آرا آنها را کسب نمایند. موارد مشابهی از این اپورتونیزم درهند و کشورهای دیگر نیز موجود است. ما همچنین ناظر بوده ایم که چگونه دولتهای قدرتمند غربی که خود راحامی حقوق بشر میدانند، از بنیادگرایی دفاع میکنند. دولتهای دمکراتیک برای حفظ منافع کوتاه مدت اقتصادی خود، دیکتاتوریهایی نظامی را به رسمیت می شناسند. دولت سکولار با دولت های مذهبی و مستبد پیمان دوستی میبندد. آنها بر رفتار و اعمال خشن و غیر انسانی دستجات بنیادگرا مهر تائید میزنند. این معیارها و نرم دوگانه، در عمل به برسمیت شناخته شدن بنیادگرایان می انجامد. بدین طریق دولتها خود به یار و حامی بنیادگرایان

خلاف جریان منتشر شد

خلاف جریان به زبان انگلیسی شماره ۱۵ و به زبان فرانسه شماره ۲۱ در ماه ژانویه ۱۹۹۹ منتشر شد.

امر فرمودند که تصویب شود

تشدید فشار به مطبوعات قانونی

جمهوری اسلامی مصمم است همه نشریاتی را که اندکی پا را فراتر از محدوده های تعیین شده دولتی قرار میدهند، ولو این که این نشریات وابسته به جناح های سهیم در حاکمیت باشند، یا از یک جناح حمایت کنند، برچینند. در چند ماه گذشته شاهد بسته شدن روزنامه ها و مجلاتی بودیم که برغم دفاع شان از حکومت اسلامی، برخی از سیاستهای حکومت را مورد انتقاد قرار میدادند و در چارچوب قوانین رژیم جمهوری اسلامی خواهان آزادی عمل بیشتری برای مطبوعات بودند. جناحهایی سهیم در حاکمیت برغم اختلاف نظری که بر سر مسائل مختلف، از جمله حد و حدود باصطلاح آزادی مطبوعات قانونی و دولتی دارند، همه بر سر این نکته توافق دارند که باید این آزادی در آن حد محدود باشد که کمترین لطمه ای به رژیم و مقدسات آن وارد نیارد. دیدیم که بر سر بستن روزنامه توس و جامعه همه از خاتمی گرفته تا وزیر ارشاد اسلامی و به طریق اولی سران جناح مسلط متفق الرای بودند. برغم این که روزنامه توسط کسانی منتشر میشد که خود در استقرار این رژیم سهیم بوده و دفاع از جمهوری اسلامی را هم در صدر فعالیت های مطبوعاتی خود قرار داده بودند، معهذا از آنجائی که حرف هایشان را صریح تر میگفتند و برخی سیاستهای رژیم را مورد انتقاد قرار میدادند، متهم به سواستفاده از آزادی شدند، و روزنامه شان تعطیل شد. چندین نشریه دیگر هم به همین طریق برچیده شدند. اما مساله تنها بدین شکل نبوده که به شیوه ای ظاهرا قانونی، انتشار برخی نشریات را ممنوع کنند. تهدید و اعمال فشار مستقیم و غیر مستقیم هم در تعطیل برخی نشریات نقش داشته و رژیم از این شیوه نیز استفاده کرده است. تازه ترین نمونه از این تهدیدات و اعمال فشار را میتوان در تهدید به قتل سردبیر نشریه ایران فردا ارگان "نهضت آزادی" و پرتاب بمب به درون دفتر روزنامه خرداد دید. ماهیت این نشریات و مواضع ناشرین آنها برکسی پوشیده نیست. نهضت آزادی از آغاز استقرار جمهوری اسلامی وظیفه ای جز دفاع از جمهوری اسلامی نداشته و خود در استقرار این نظام سهیم بوده است. امروز هم وظیفه نشریه این سازمان، چیزی نبوده و نیست جز دفاع از جمهوری اسلامی و توهم پراکنی پیرامون "آزادی خواهی" آقایی خاتمی. معهذا دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی همین نشریه را به دادگاه کشاندند و محکوم کردند و حالا هم سردبیر آنرا زیر فشار قرار داده و تهدید به قتل میکنند، تا بدین طریق انتشار آنرا متوقف سازند.

ماهیت نشریه خرداد و مواضع آن هم برهمگان آشکار است. عبدالله نوری از همان آغاز از سران و کارگزاران حکومت اسلامی بوده که در

صفحه ۱۵

گرفت که برخی از مرتجعین درون مجلس نیز خود را تحقیر شده یافتند. در پایان رای گیری، یکی از مرتجعین وابسته به جناح اکثریت به نام خانم وحید دستجردی فریاد زد: " این مجلس فرمایشی است و از فردا به این مجلس نمی آیم" اما گویا این خانم مرتجع فراموش کرده بود که اصلا انتخاب خودش هم فرمایشی بوده است. در جمهوری اسلامی همه چیز فرمایشی است.

شوراهای اسلامی هم به معضل دیگری برای رژیم تبدیل شده اند

های اجرائی آن " بپردازد. گویا که این دعوا بر سر "ابهامات قانونی" بوده و حالا هیئتی جدید می خواهد آن را برطرف کند. هر دو جناح این را میداند که کشمکش بر سر انتخابات شوراهای اسلامی نه منتج از ابهامات قانونی است و نه دعوائی حقوقی. این کشمکش یک منازعه سیاسی و یک جنگ قدرت میان دو جناح است. جناح طرفداران خاتمی برای تقویت نفوذ خود در دستگاه دولتی و به چنگ آوردن شهرداریها که میتوانند نقش مهمی برای آنها ایفا کنند، شوراهای اسلامی شهر و روستا را از بایگانی آثار عتیقه جمهوری اسلامی بیرون آوردند. این جناح امیدوار بود که حزب الهی های طرفدار خود را در این باصطلاح شوراهای جا دهد و قدرت و نفوذ روحانیون محلی و وابستگان به جناح رقیب را کاهش دهد. جناح دیگر هم که در آغاز تمایلی به برگزاری انتخابات برای شوراهای شهر و روستا نداشت، همین که دید طرفداران خاتمی مصمم اند شورا های اسلامی را علم کنند، کوشید ابتکار عمل را از دست آنها بگیرد، تا حد ممکن آنها را کنار بگذارد و قدرت خود را در این ارگانهای حکومتی مستحکم سازد. هیئت نظارت بر انتخابات این وظیفه را برعهده گرفت که نقش شورای نگهبان را در انتخابات شوراهای دولتی ایفا نماید. حالا، هیئت نظارت که مدعی است، او باید صلاحیت داوطلبین را رد یا تأیید نماید، دست به کار شده و تاکنون صلاحیت بیشتر کاندیدا های طرفدار خاتمی را رد کرده است. لذا کمیته حقوقی نمیتواند این اختلاف سیاسی را حل کند، آنچه که باقی میماند این است که آنها برغم منازعات و کشمکشهای سیاسی به توافقی موقتی دست یابند که ترکیب اعضا شوراهای اسلامی نتواند توازن قوای موجود را برهم بزنند. معضل هم در همین جاست. چرا که در عین حال هر دو جناح میخواهند توازن موجود را به نفع خود تغییر دهند. در این میان این حقیقت بازم بر مردم ایران بیشتر روشن میگردد که شوراهای اسلامی شهر و روستا، ارگانهای دولتی ضد مردم اند و نزاع جناحها بر سر این است که کدامیک نقش مسلط را در آنها داشته باشند.

فردی بر آنها حاکم است، فرمانروای مستبد هم دیگر به این شکل علنی و عریان به مجلس فرمایشی و دست نشانده خود دستور نمیدهد که تصویب کند یا نکند، اما کاررسوائی سیاسی حکومت اسلامی بدانجا کشیده است که دیگر نمیتواند ظاهر قضیه را هم حفظ کند. ارباب امر می فرمایند و نوکران او در مجلس فرمان را اجرا میکنند.

این رویداد چنان شکل زننده و رسوائی به خود

رد صلاحیت تقریباً تمامی طرفداران خاتمی در تهران، که در میان آنها نام تعدادی از معاونین و مشاورین وی نیز دیده میشود بحران تازه ای برای رژیم ایجاد کرده است. هیئت نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی که منتخب مجلس و وابسته به جناح مسلط است، صلاحیت کاندیداهای طرفداران خاتمی را به اتهام عدم اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه رد کرد. این رد صلاحیت معاونین و مشاورین رئیس جمهور و دیگر طرفداران او، واکنش شدیدی را از سوی ائتلاف وابسته به خاتمی برانگیخت. وزیر کشور تصمیم هیات نظارت را غیرقانونی و بی اعتبار اعلام نمود و گفت: "رد صلاحیت داوطلبان وظیفه هیئتهای اجرائی است و غیر از این را نمیپذیریم". وی سپس در گردهم آئی معاونان سیاسی و امنیتی استانداران، پا را از این حد نیز فراتر نهاد و اظهار داشت: "اگر فردی رد صلاحیت شود، اما این رد صلاحیت مورد قبول وزارت کشور نباشد، نام وی را اعلام میکنیم تا مردم رای خودشان را درباره آن فرد بدهند." در پی این رویداد دیگر سران رژیم، دست اندرکاران دستگاه دولتی و وابستگان به جناحهای حکومت وارد این نزاع و کشمکش جناحی شدند. هیئت نظارت موضع گیری وزیر کشور را غیرقانونی خواند و تعدادی از نمایندگان مجلس به وزیر کشور هشدار دادند که اگر پا را از حد خود فراتر نهد به سرنوشت عبدالله نوری دچار خواهد شد. سران حکومت که دیدند این مساله هم به عاملی برای تشدید بحران حکومتی تبدیل شده، تلاش نمودند که با تشکیل کمیته ای از ۵ حقوقدان به نمایندگی از طرفهای دعوا، اختلاف را فیصله دهند. برغم این که همه ملزم شده بودند، تصمیم اکثریت این کمیته را بپذیرند، اما کاری از پیش نرفت و کسی تصمیمات آن را نپذیرفت. لذا هیئت جدید حل اختلاف تشکیل شد. در جلسه ای که رئیس جمهور و رئیس مجلس، وزیر کشور، وزیر ارشاد، هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی، و ستاد انتخابات در آن حضور داشتند، تصمیم گرفته شد که یک کمیته حقوقی از نمایندگان طرفین تشکیل شود و به "بررسی رفع ابهامات قانونی و تبیین قانون انتخابات شوراهای و آئین نامه

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

پیام تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

در همبستگی با
آکسیون اعتراضی علیه سرکوب و کشتار در ایران

درد بر شما شرکت کنندگان در حرکت اعتراضی در استکهلم، که علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، و باخواست اعزام یک هیات بین‌المللی به ایران برای رسیدگی به قتل‌های سیاسی، تعطیل کلیه مراکز جاسوسی رژیم در خارج از کشور، تا امن اعلام نمودن ایران، آزادی زندانیان سیاسی و محاکمه سران جمهوری اسلامی در یک دادگاه بین‌المللی دست به تحصن زده‌اید.

رفقا و دوستان گرامی!

رژیم جمهوری اسلامی که در یک بحران همه جانبه بسر می‌برد، بیش از هر زمان دیگر نزد عموم توده‌های مردم ایران بی‌اعتبار شده و مورد نفرت کارگران، زحمتکشان و روشنفکران قرار دارد. رژیم در هراس از گسترش جنبش اعتراضی مردم، به تشدید سرکوب و خفقان و نابودی فیزیکی مخالفان روی آورده است. قتل‌های وحشیانه اخیر که با هدف مرعوب ساختن توده‌های مردم صورت گرفته است، بار دیگر براین واقعیت صحنه گذارد که حاکمیت جمهوری اسلامی با سرکوب، زندان، شکنجه و ترور عجمین شده است.

در این میان گسترش اعتراضات در داخل کشور و مبارزات و فعالیت‌های افشاگرانه در خارج از کشور، سران حکومت را ناگزیر ساخت به نقش مأموران وزارت اطلاعات در سازماندهی و اجرای ترورها اذعان کنند. هرچند سران حکومت تلاش می‌کند بر نقش رهبری و مسئولین رده اول رژیم در سازماندهی ترورها سرپوش بگذارد، اما همه میدانید که فرمان قتل‌ها، توسط بالاترین مراجع مذهبی و سیاسی رژیم صادر می‌شود. باید با تداوم اعتراضات و افشاکری‌ها، چهره کثیف سران حکومت را در سازماندهی ترور و سرکوب بر برملا کرد و حکومت اسلامی را بیش از پیش رسوا نمود، این امر جمهوری اسلامی را یک گام دیگر به سرنگونی نزدیک می‌کند. ما ضمن حمایت از حرکت اعتراضی شما و مطالباتتان، همه نیروهای چپ و انقلابی را به تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، و برقراری حکومت شورایی، حکومت واقعی کارگران و زحمتکشان فرا می‌خوانیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۰ ژانویه ۱۹۹۹

اخباری از ایران

اعتراض دانشجویان
دوره شبانه دانشگاه تهران

جمعی از دانشجویان دوره شبانه دانشگاه تهران در اعتراض به افزایش شهریه‌ها روز ۱۱ بهمن در مقابل ساختمان مرکزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی تجمع نمودند. آنها خواستار کاهش شهریه‌ها و لغو تصمیم دولت شدند. لازم به ذکر است که مقامات دولتی اخیراً "شهریه دوره شبانه را یکبار به دو برابر افزایش داده‌اند و هردانشجویی باید به جای ۴۸۰ هزار ریال ترم گذشته، مبلغ ۹۰۰ هزار ریال بپردازند.

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

سرکردگان حکومت ترور و وحشت، در فرانسه چه می‌کنند؟

کمال خرازی وزیر خارجه جمهوری اسلامی پس از آنکه باهدف جلب حمایت انحصارات امپریالیستی و دولتهای مختلف، در غمجمع اقتصادی جهان‌ع شرکت کرد، به پاریس سفر می‌کند تا درباره همکاری گسترده‌تر میان دولتهای فرانسه و جمهوری اسلامی با مقامات این کشور گفتگو کند و زمینه سفر خاتمی را به فرانسه مهیا نماید. خرازی در این سفر با ژاک شیراک رئیس جمهوری فرانسه، و وزیر خارجه این کشور دیدار خواهد داشت. سفر خرازی به فرانسه در شرایطی صورت می‌گیرد که جمهوری اسلامی ناتوان از پاسخگویی به مطالبات کارگران، زحمتکشان و روشنفکران پرشدت سرکوب و دامنه دستگیری‌ها، شکنجه و ترور مخالفان افزوده است. قتل وحشیانه مخالفان سیاسی و نویسندگان، موج وسیعی از اعتراض و انزجار عمومی را در ایران برانگیخته است به حدی که رژیم ناگزیر شد به دخالت مستقیم مأموران وزارت اطلاعات در انجام ترور اعتراض نماید. اما جناح‌های مختلف حکومت علیرغم فشارهای بین‌المللی و اعتراضات گسترده در داخل و خارج ایران، تلاش می‌کنند از افشای ابعاد واقعی سازماندهی ترور و شکنجه، که نقش مستقیم رهبر و مسئولان رده اول حکومت در صدور فرمان قتل‌ها را برملا خواهد ساخت، جلوگیری کنند. علیرغم درخواست‌های مکرر ارگان‌ها و نهادهای مدافع حقوق بشر و دموکراتیک و همچنین پارلمان اروپا، سران جمهوری اسلامی با اعزام یک هیات تحقیق برای بررسی قتل‌ها، شدیداً مخالفت می‌کند. در چنین شرایطی دولت فرانسه وزیر خارجه حکومت اسلامی را به فرانسه دعوت می‌کند، روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با جمهوری اسلامی را گسترش می‌دهد و در این راه، رئیس جمهور این رژیم را نیز در فرانسه پذیرا خواهد شد.

پذیرایی از وزیر خارجه جمهوری اسلامی، گسترش مناسبات با حکومت اسلامی و دعوت از خاتمی برای سفر به فرانسه، در شرایطی که عموم توده‌های مردم از ۲۰ سال حکومت توأم با سرکوب و کشتار، و ترور و جنایت رژیم حاکم بر ایران به تنگ آمده‌اند، و در شرایطی که رژیم تنها راه ادامه حیاتش را در آدم ربایی، ترور و سلاخی مخالفان می‌بیند، جز دهن کجی به خواست مردم ایران، بی‌اعتنایی به موازین حقوق بشر و زیر پا گذاشتن حقوق میلیونها انسان، به خاطر دستیابی به منافع سیاسی و اقتصادی، معنایی ندارد.

اگر دولت‌های اروپایی و از جمله دولت فرانسه، ذره‌ای به موازین حقوق بشر پای بند باشند، باید به جای دعوت سران حکومت اسلامی به مذاکره و برقراری روابط نزدیکتر، آنان را به خاطر نقض حقوق بشر، سرکوب وحشیانه مخالفان و سازماندهی ترور و جنایت محکوم نمایند و مناسبات اقتصادی و سیاسی‌شان را با این رژیم قطع کنند.

کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی، هرگونه حمایت از جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنند و مبارزه‌شان را برای سرنگونی این رژیم ارتجاعی که ننگ بشریت است، تشدید می‌کنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۹۹/۱/۳۱

تشدید فشار به مطبوعات قانونی

علتی عجالتا عبدالله نوری را به دادگاه بکشند و پروانه انتشار روزنامه او را لغو کنند، در مورد نشریاتی امثال آدینه که این مشکل را ندارند. هیئت منصفه حکم به تخلف و محکومیت میدهد و یکی از شعب دادگاههای عمومی هم مدیر مسئول آن را به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی و چاپ و انتشارمقالاتی خلاف عفت عمومی به جزای نقدی محکوم میکند و علاوه بر این پروانه انتشار آدینه را هم لغو میکند. توأم با تعطیل روزافزون روزنامه‌ها و مجلاتی که حتی برخی جواز انتشار آنها در دوره رفسنجانی صادر شد، طرفداران جامعه مدنی اسلامی در تلاش اند مشکل را ریشه ای تر حل کنند و در دادن پروانه انتشار نشریات "دقت" بیشتری به عمل آوردند تا بعداً مجبور به بستن آنها نشوند. درجهت پیشبرداین سیاست، در وزارت ارشاد تغییر و تحولاتی در جریان است. همین چند روز پیش بودکه خبر استعفای معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد علنی شد و قرار است جانشین وی سیاست سخت گیرانه تری در اعطای پروانه انتشار نشریات اتخاذ کند.

مناصب مختلف در جهت حفظ و استحکام رژیم جمهوری اسلامی تلاش نموده و دوبار نیز پست حساس وزارت کشور را عهده دار بوده است. روشن است، نشریه ای را که او منتشر میکند در چارچوب خط و خطوط دفاع از حکومت اسلامی باشد. اما این دفاع، از سر خیر خواهی و دقیقاً بخاطر حفظ نظام، توأم با انتقاداتی از یکجناح حکومت است، و در بیان مطالب حرف خود را صریح تر میزند. معهدا همین جمهوری اسلامی که آقای عبدالله نوری و روزنامه خرداد مدافع آن هستند، نمیتواند، او و نشریه اش را تحمل کند. از آنجائی که او را نمیتوانند به سادگی همانند دهها مدیر و صاحب امتیاز نشریه‌دیگر به دادگاه بکشانند و پروانه انتشار روزنامه اش را لغو کنند، شیوه دیگری برگزیده اند. گروههای ارباب و ترور وابسته به دستگاه امنیتی رژیم، با تهدید تلفنی مسئولین و دست اندرکاران نشریه، و شیوه های وحشت آفرینی نظیر پرتاب بمب به درون دفتر روزنامه، میکوشند، که آنها را "داوطلبانه" به تعطیل روزنامه وا دارند. حالا اگر نمیتوانند به هر

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

یادداشت‌های سیاسی

امر فرمودند که تصویب شود

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

اطریش
I . S . V . W
Postfach 122
Postament 1061 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند
P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

اصرار این جناح بر سر این مساله از آنجا ناشی میشد که می خواستند حتی برخلاف نظر رهبر خود رای دهند. جناح اقلیت هم که دست جناح دیگر را خوانده بود، و میدانست که اگر رای گیری مخفی باشد، کلیات لایحه بودجه رای نخواهد آورد، از رای گیری علنی با " قیام و قعود" دفاع میکرد. نایب رئیس مجلس که عهده دار ریاست این جلسه بود بر سر این مساله نظر خواهی کرد و سرانجام رای گیری مخفی تصویب شد. جناح اقلیت مجلس برای خنثی کردن اقدامات جناح رقیب به شیوه ابستراکسیون متوسل شد. نمایندگان وابسته به این جناح، دستجمعی جلسه را ترک کردند و آن را از اکثریت انداختند. در این هنگام که جلسه به شدت متشنج شده بود، نایب رئیس مجلس، دستور تنفس جلسه را اعلام نمود. پس از دو ساعت که جلسه مجلس دوباره تشکیل گردید، به مدت ده دقیقه غیر علنی اعلام شد. در آنجا توضیح داده شد که هیئت رئیسه مجلس " با دفتر رهبر معظم انقلاب تماس گرفت و ایشان از نمایندگان خواستند به لایحه بودجه رای دهند. " امر آقا اجرا شد و کلیات لایحه بودجه با قیام و قعود و با اکثریت بالائی به تصویب رسید. این رویداد نشان داد که وضعیت رژیم تا بدان حد وخیم است و شکاف درونی دستگاه حاکمه آنقدر عمیق شده که مرتجعین دیگر نمیتوانند حتی ظاهر قضیه را حفظ کنند و ناگزیرند خود ماهیت ارتجاعی و فرمایشی نهادها و ارگانهای خود را برملا کنند. رهبر امر می فرمایند که نمایندگان مجلس باید به لایحه رای دهند و آنها هم با طیب خاطر فرمان ولی نعمت خود را اجرا میکنند. در این دوره و زمانه حتی در عقب مانده ترین کشورهایی که دیکتاتوری های

صفحه ۱۴

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا بهمراه کد مورد نظریه یکی از آدرسهای سازمان ارسال نمایند.
I.W.A
6932641 Postbank
Holland

مجلس ارتجاع اسلامی در جریان بررسی و تصویب لایحه بودجه سال آینده عرصه کشمکش حاد میان دو جناح مرتجع هیئت حاکمه بود. دولت که باورشکستگی مالی روبروست، کوشیده است در بودجه سال آینده با افزایش سرسام آور بهای کالاهائی که در انحصار دولت اند، یعنی افزایش مالیاتهای غیر مستقیم و دهها وصدها راه دیگر برای سرکسسه کردن توده های مردم، تمام بار ورشکستگی خود را به دوش کارگران و زحمتکشان بیندازد.

با ارائه لایحه بودجه به مجلس، جناح رقیب خاتمی که اکثریت کرسی های مجلس را در اختیار دارد، فرصت دیگری به دست آورده بود تا یک بار دیگر در برابر خاتمی قدرت نمائی کند و در همان حال مانور سیاسی دیگری برای جلب حمایت مردم بدهد و چنین وانمود کند که این جناح با اقدامات دولت برای تشدید فشار به توده مردم مخالف است. لذا به محض این که لایحه بودجه به مجلس داده شد، با هیاهوی بسیار طرحی برای تصویب ارائه داد که افزایش قیمت های برخی محصولات به نحوی که در لایحه بودجه آمده بود، ممنوع شود. از بالا دستور رسید که عجلتا کوتاه بیاید و مانع کار دولت نشود. این ماجرا گذشت تا وقتی که مساله تصمیم گیری درباره کلیات لایحه بودجه پیش آمد. جناح اکثریت مجلس که یکروز قبل از آن جلسه ای تشکیل داده و تصمیم گرفته بود به کلیات لایحه بودجه رای ندهد، نگرانی جناح اقلیت طرفدار خاتمی را برانگیخته بود. روز رای گیری هر دو جناح برای درگیری و مقابله با یکدیگر آماده بودند. پیش از آن که رای گیری آغاز شود، اختلاف بر سر چگونگی رای گیری به اوج خود رسید. جناح اکثریت خواستار رای گیری مخفی باورقه بود.

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org



Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 322 feb 1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق